

۲
ایرانجابه جایی مهم
ذوالقدر رفت، رضایی آمد۳
افقپیمان نیم بند
افزایش واکنش ها به توافق مکه۴
تماشامخفیانه تا جشنواره
درباره سینمای زیرزمینی ایران۶
توسعهبندر خالی، سفره کوچک
اثرات کاهش واردات بر سفره مردم

بحران بی اعتمادی

محمد مهدی فرقانی، فریدون صدیقی
و جلال خوش چهره از مصائب روزنامه نگاری
و روزنامه نگاران سخن گفتند

فائزه مومنی

گروه اجتماعی

استادان و روزنامه نگاران در نشست دربارۀ بحران مرجعیت رسانه های از ساختارهای وابسته، ضعف حرفه ای، ناامنی شغلی، سیاست های تبلیغاتی و امنیتی و فاصله رسانه ها با مخاطب گفتند؛ بحرانی که به باور آنان تنها با اصلاح همزمان ساختار رسانه و فراهم شدن امکان روزنامه نگاری مستقل قابل ترمیم است. نشست بررسی دلایل بی اعتمادی مردم به رسانه ها صبح دوشنبه (۱۹ مردادماه) با حضور محمد مهدی فرقانی استاد باسابقه ارتباطات و روزنامه نگاری، فریدون صدیقی استاد روزنامه نگاری، جلال خوش چهره روزنامه نگار و تحلیلگر حوزه رسانه و اکبر منتجبی مدیرکل دفتر توسعه آموزش رسانه برگزار شد؛ نشستی که به جای محدود شدن به بحث کلی درباره کاهش اعتماد عمومی، بخش مهمی از آن به روایت تجربه چند نسل از روزنامه نگاران و بررسی ریشه های ساختاری بحران رسانه در ایران اختصاص داشت. سخنرانان در این نشست از کاهش تیراژ و مخاطب مطبوعات، از دست رفتن مرجعیت رسانه ای، ضعف ساختار حرفه ای، دخالت سیاست های امنیتی و تبلیغاتی، فقدان استقلال رسانه ها، مشکلات اقتصادی و ناامنی شغلی خبرنگاران همچنین فاصله گرفتن رسانه ها از نیاز واقعی مخاطبان سخن گفتند. در این میان یک پرسش بیش از دیگر پرسش ها تکرار شد: چرا رسانه ای که زمانی می توانست بر افکار عمومی اثر بگذارد و حتی در بزنگاه های تاریخی به یک نیروی اجتماعی تعیین کننده تبدیل شود، امروز برای بخش بزرگی از جامعه دیگر مرجع دریافت خبر و تحلیل نیست؟

اعتماد به تدریج ساخته می شود

محمد مهدی فرقانی، استاد باسابقه ارتباطات، در ابتدای بحث با تأکید بر اینکه بحران اعتماد مسئله ای محدود به ایران یا سال های اخیر نیست، گفت این بحران در ایران سابقه ای طولانی دارد و باید آن را در نسبت میان دولت، جامعه و رسانه بررسی کرد. به گفته او، اعتماد یکی از اصلی ترین مؤلفه های سرمایه اجتماعی است و جامعه ایران در دوره های مختلف تاریخی با ضعف سرمایه اجتماعی روبه رو بوده است. او ریشه این مسئله را در شکاف تاریخی میان دولت و ملت و تفاوت منافع این دو دانست و تأکید کرد که نمی توان انتظار داشت، جامعه ای در حوزه های مختلف مرجعیت های خود را از دست داده باشد اما در حوزه رسانه همچنان مرجعیت را حفظ کند. فرقانی با اشاره به تاریخ مطبوعات ایران گفت، رسانه ها از ابتدا تا حد زیادی در دامن حکومت ها شکل گرفته اند و در بسیاری از دوره ها مطبوعات تحت نظارت، فشار یا وابستگی قرار داشته اند. به گفته او، تنها در مقاطع کوتاهی مانند دوره مشروطه، دوران دکتر مصدق و برخی مقاطع کوتاه آزادی مطبوعات، روزنامه نگاری امکان تجربه استقلال بیشتری پیدا کرده است. او تأکید کرد که اعتماد یک شبه ساخته نمی شود و شکل گیری آن تدریجی و زمانبر است اما در مقابل، می تواند با یک دروغ، سانسور یا فریب به سرعت فرو بریزد.

میرزای بنویسی و جستجوی حقیقت

فرقانی، روزنامه نگاری را در شرایط امروز یکی از دشوارترین کارها دانست؛ چراکه از یک سو توقعات مخاطب افزایش یافته و از سوی دیگر مردم حق دارند اطلاعات درست، دیدگاه های متفاوت و امکان شناخت واقعیت های پیرامون خود را داشته باشند. او گفت خبرنگار امروز در برابر انتخاب دشواری قرار گرفته است؛ یا باید صرفاً آنچه را به او گفته می شود بنویسد و به نوعی «میرزای بنویس» تبدیل شود یا در جستجوی حقیقت باشد که در این صورت با موانع و محدودیت های مختلف روبه رو خواهد شد. به اعتقاد او، مسئله اصلی این است که در ایران هنوز ساختار حرفه ای روزنامه نگاری به معنای واقعی شکل نگرفته است؛ با وجود آنکه کشور بیش از ۲۰ سال سابقه مطبوعات دارد.

ادامه در صفحه ۷

رئیس جمهور در دیدار با دبیران کل احزاب و فعالان سیاسی خواستار شد:

بازسازی رابطه حاکمیت با مردم

عاطفه شمس

گروه سیاسی



گروه سیاسی: نشست رئیس جمهور با دبیران کل احزاب و فعالان سیاسی، تلاشی برای ترسیم تصویری از وضعیت امروز کشور و راه عبور از مجموعه ای از بحران های درهم تنیده بود؛ تصویری که در آن «وحدت» و «مشارکت» دو کلیدواژه اصلی پزشکيان بود. او در این نشست از شرایط پیچیده کشور پس از دو جنگ اخیر ضرورت کنار گذاشتن بخشی از منیت ها و به میدان آمدن همه جریان های سیاسی و اجتماعی برای حل مسائل مردم گفت. همچنین روایتی از دومین دیدار خود با رهبر انقلاب و توصیه ها و رهنمودهای ایشان درباره مسائل کشور ارائه کرد. پزشکيان تأکید کرد که در شرایط فعلی همه جریان های سیاسی و اجتماعی باید برای حفظ انسجام ملی و حل مسائل مردم، از معیشت و اشتغال و مسکن تا درمان و بازسازی اعتماد عمومی، به میدان بیایند.

رئیس جمهور در شرایطی از احزاب و جریان های سیاسی خواست به جای ایستادن



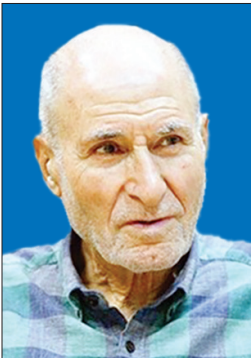
زندگی می کنند، خودی هستند و متعلق به این سرزمین اند. باید با همه آنها منصفانه برخورد کنیم».

این گزاره را شاید بتوان یکی از مهم ترین بخش های سخنان پزشکيان در این نشست دانست؛ روایتی که تلاش دارد، مرز «خودی» و

صرف در جایگاه منتقد، بخشی از بار حل مسائل کشور را بر دوش بگیرند که به گفته او نقشه دشمن دیگر صرفاً نظامی نیست و این بار بر اختلافات و شکاف های داخلی حساب باز کرده است. پزشکيان در همین چارچوب تأکید کرد: «همه کسانی که در این آب و خاک



سیدحسین مرعشی



بهزاد نبوی



مصطفی پور محمدی



غلامعلی حدادعادل



محسن هاشمی



محمد عطریانفر



محمود واعظی



مهدی چمران



محمدرضا باهنر



علی مطهری



جابه‌جایی مهم

محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی
شد؛ محمدباقر ذوالقدر مشاور سیاسی رهبری



گروه سیاسی: پرونده تغییر دبیر شورای عالی امنیت ملی که طی هفته‌های اخیر با شایعات و روایت‌های متناقض همراه شده بود، سرانجام با دو انتصاب همزمان وارد مرحله تازه‌ای شد؛ محمدباقر ذوالقدر از دبیری شورای عالی امنیت ملی کنار رفت و به‌عنوان مشاور سیاسی رهبر انقلاب منصوب شد و محسن رضایی نیز با حکم رئیس‌جمهور، دبیری شورای عالی امنیت ملی و با حکم رهبری، نمایندگی او در این شورا را برعهده گرفت.

ایمن جابه‌جایی از چند هفته پیش با گمانه‌زنی و تکذیب همراه بود. اما اکنون شایعات و واقعیت پیوسته است و ذوالقدر که تنها کمی بیش از چهار ماه پیش، پس از شهادت علی لاریجانی، به دبیری شورای عالی امنیت ملی رسیده بود از این سمت کنار رفت. در حکم جدید، رهبر انقلاب با اشاره به «تجارب ارزشمند» ذوالقدر، او را به‌عنوان مشاور سیاسی خود منصوب کرده است. در سوی دیگر محسن رضایی، فرمانده پیشین سپاه و دبیر ۲۴ ساله مجمع تشخیص مصلحت نظام، بار دیگر به کانون تصمیم‌گیری امنیتی بازگشت و علاوه بر دبیری شعام، نماینده رهبر انقلاب در این شورا شد.

اهمیت این جابه‌جایی اما بیش از هر چیز به روایت‌هایی بازمی‌گردد که درباره علت خروج زودهنگام ذوالقدر شکل گرفته بود. یکی از مهم‌ترین این روایت‌ها به اختلاف‌نظر درباره آتش‌بس و مذاکرات بازمی‌گشت. برخی جریان‌های تندرو مدعی بودند، ذوالقدر در مواجهه با پرونده آتش‌بس و مذاکرات جاری به مواضع دولت نزدیک شده و با پذیرش نظر دولت درباره آتش‌بس و تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، نوعی استقلال رأی از خود نشان داده است؛ مسئله‌ای که از نگاه این جریان‌ها می‌توانست، زمینه کنار گذاشته شدن او را فراهم کند. در مقابل، این جریان‌ها از انتصاب رضایی استقبال کردند و مواضع او درباره تفاهم اسلام‌آباد را در راستای کاهش اختیارات دولت ارزیابی کردند.

همزمان روایت دیگری نیز درباره نقش دولت در این جابه‌جایی شکل گرفت. امیرحسین ثاپی، نماینده تهران و مشاور سعید جلیلی پس از آشکار شدن حکم نمایندگی رضایی در شعام مدعی شد که پزشک‌های «مدت‌ها» در برابر خواست تغییر ذوالقدر و آمدن رضایی مقاومت کرده است. او حتی خطاب به رئیس‌جمهور نوشت: «دست فرمان‌تان را تغییر دهید تا مردم تغییرتان نداده‌اند». این اظهارات با واکنش‌هایی نیز مواجه شد و احمد زیدآبادی آن را «نفی بی‌پروای جمهوریت» و تلاشی برای حرکت از «جمهوری اسلامی» به «حکومت اسلامی» توصیف کرد.

با این حال همه روایت‌ها بر وجود شکاف میان دولت و رهبری تأکید ندارند. روزنامه «صبح نو» در واکنش به این گمانه‌زنی‌ها نوشت که فاصله زمانی میان دیدار رئیس‌جمهور و صدور حکم می‌تواند، نشان‌دهنده فراهم شدن بستر تفاهم و توجهات لازم باشد و طرح سناریوی اختلاف و ایستادگی دولت در برابر رهبری را «ابزاری برای دوقطبی‌سازی کاذب» دانست. از این منظر جابه‌جایی اخیر تصمیمی حاکمیتی در چارچوب منافع ملی است نه لزوماً نشانه یک تقابل سیاسی میان دو نهاد.

اما این تغییر می‌تواند، ترکیب نمایندگان رهبری در شورای عالی امنیت ملی را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد. مطابق ساختار شورا، رهبری دو نماینده در شعام دارد و با ورود رضایی به‌عنوان نماینده جدید باید مشخص شود از میان دو نماینده پیشین، سعید جلیلی و علی باقری‌کنی، کدام‌یک جای خود را ترک خواهد کرد. انتخاب هرکدام می‌تواند، نشانه‌ای از وزن و جایگاه جریان‌های مختلف سیاسی در این نهاد مهم تصمیم‌گیری باشد.

در این میان یک نکته قابل‌توجه دیگر به سابقه این دو چهره که هر دو از فرماندهان باسابقه سپاه هستند و سابقه حضور در ساختارهای مهم نظامی و سیاسی کشور را دارند، بازمی‌گردد. ذوالقدر در سال ۱۴۰۰ با حکم رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام و با تأیید رهبری، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و جانشین محسن رضایی شد؛ حالا چند سال بعد، رضایی در موقعیتی دیگر جای ذوالقدر را گرفته است. جابه‌جایی‌ای که پرسش‌های تازه‌ای را درباره جهت‌گیری آینده شورا، پرونده مذاکرات و آتش‌بس همچنین موازنه نیروها در ساختار تصمیم‌گیری امنیتی کشور ایجاد کرده است.

رئیس‌جمهور در دیدار با دبیران کل احزاب و فعالان سیاسی خواستار شد:

بازسازی رابطه حاکمیت با مردم

رقابت در میدان خدمت

رئیس‌جمهور در این نشست، از احزاب خواست تعریف متفاوتی از رقابت سیاسی ارائه کنند؛ رقابتی که نه بر سر تخریب رقیب بلکه بر سر کیفیت خدمت به جامعه شکل بگیرد. او خطاب به فعالان سیاسی گفت: «هر کدام از شما که در هر شهری و در هر جریان سیاسی قرار دارید، می‌توانید کمک کنید. هنر صرفاً این نیست که ایراد و اشکال بنده را مطرح کنید؛ بنده خودم نیز می‌دانم که بدون عیب و نقص نیستم».

پزشکیان سپس از فعالان سیاسی خواست به جای تمرکز صرف بر نقد دولت برای مسائل ملموس مردم وارد میدان شوند: «بیاید به جای آن، برای معیشت مردم، اشتغال مردم، مسکن مردم و درمان مردم تلاش کنیم». او حتی تصویری مشخص‌تر از این رویکرد ارائه کرد و گفت باید زن سرپرست خانواری که با مشکلات معیشتی مواجه است را دید و برای حل مشکل او اقدام کرد.

از نگاه رئیس‌جمهور، نتیجه چنین رویکردی، تنها حل یک مسئله اجتماعی نیست؛ بلکه بازسازی رابطه مردم و حاکمیت نیز از همین مسیر می‌گذرد. به گفته او، اگر مردم ببینند، مسئولان و جریان‌های سیاسی واقعاً در خدمت آنها هستند «هیچ قدرت خارجی، نخواهد توانست به کشور

آسیب وارد کند». پزشکیان در ادامه تأکید کرد: «زمانی مردم تحت‌تأثیر رسانه‌های بیگانه و فضاسازی‌های بیرونی قرار می‌گیرند که احساس کنند، مسئولان به آنها دروغ می‌گویند، در خدمت‌شان نیستند و به‌جای منافع مردم، به‌دنبال منافع خود هستند».

در این نگاه، رقابت سیاسی نه نفی می‌شود و نه قرار است، احزاب از هویت و مواضع خود دست بکشند؛ بلکه میدان رقابت باید از تخریب و صرفاً ایرادگیری به سمت کارآمدی و خدمت تغییر کند. پزشکیان عملاً از احزاب می‌خواهد به‌جای آنکه تنها درباره مشکلات سخن بگویند، در حل آنها نیز سهمی بر عهده بگیرند.

احزاب: از نقد تا میدان

با این حال، پزشکیان صرفاً از احزاب نخواست که همکاری کنند؛ او برای این همکاری، سازوکار هم پیشنهاد داد. رئیس‌جمهور بر «ضرورت ایجاد سازوکارهای منسجم برای استفاده از ظرفیت احزاب و جریان‌های سیاسی» تأکید کرد و پیشنهاد «تشکیل جلسات هماهنگی مستمر با احزاب همچنین ایجاد فراکسیون‌ها و کارگروه‌های تخصصی» را مطرح کرد.

به گفته او، ظرفیت احزاب می‌تواند در سه مرحله به کار گرفته شود: شناسایی مسائل، ارائه راهکارهای عملی و کمک به اجرای سیاست‌های حل مسئله. بنابراین از نگاه دولت احزاب قرار نیست تنها در زمان انتخابات فعال باشند یا نقش خود را به نقد و اظهارنظر محدود کنند؛ بلکه باید بخشی از ظرفیت اجتماعی و مدیریتی کشور را برای حل مسائل به میدان بیاورند.

این ایده با بخش دیگری از سخنان پزشکیان نیز پیوند دارد: جایی که او گفت، کشور بیش از «طرح» به «میدان آمدن» نیاز دارد. رئیس‌جمهور پیش از این گفته بود: «ما به طرح صرف نیاز نداریم؛ به میدان آمدن نیاز داریم. به کسانی نیاز داریم که وارد میدان شوند و بخشی از بار مسئولیت را بر دوش بگیرند».

وحدت: پیش شرط قدرت

اما در روایت پزشکیان همه این بحث‌ها یک نقطه مشترک دارند: وحدت ملی. او در سخنان خود بارها به خطر اختلافات داخلی اشاره کرد و گفت، نقشه دشمن برای فروپاشی کشور دیگر صرفاً نظامی نیست و بر ایجاد اختلاف از درون و تشدید شکاف‌ها، حساب باز شده است.

رئیس‌جمهور صریح‌تر از این نیز گفت: «با موشک و بمب به‌تنهایی نمی‌توان این مملکت را از بین برد اما با اختلاف می‌توان، کشور را تضعیف و نابود کرد». این جمله شاید خلاصه نگاه پزشکیان به شرایط فعلی کشور باشد؛ اینکه قدرت نظامی هر چقدر هم اهمیت داشته باشد بدون انسجام اجتماعی نمی‌تواند به‌تنهایی تضمین‌کننده امنیت و

ثبات باشد. از همین منظر است که او از فعالان سیاسی خواست، بخشی از منیت‌ها را کنار بگذارند و برای حفظ کشور به یکدیگر کمک کنند.

پزشکیان در همین چارچوب همه ساکنان ایران را بخشی از یک جامعه واحد دانست و تأکید کرد که اختلاف‌نظر سیاسی نباید به حذف افراد از دایره تعلق ملی منجر شود: «همه کسانی که در این آب و خاک زندگی می‌کنند، خودی هستند و متعلق به این سرزمین‌اند. باید با همه آنها منصفانه برخورد کنیم».

مسئله فقط منابع نیست

در بخش دیگری از این نشست، پزشکیان به چالش‌های پرداخت که کشور پس از دو جنگ اخیر با آنها مواجه شده است. او تأکید کرد: «بارها گفته شده که کشور از منابع و ظرفیت‌های غنی برخوردار است و این سخن کاملاً درست است اما مسئله مهم این است که در شرایط پیچیده کنونی چگونه می‌توان این منابع و ظرفیت‌ها را به فعلیت رساند». این نگاه، مسئله حکمرانی را از «داشتن منابع» به «توان استفاده از منابع» منتقل می‌کند. به بیان دیگر برخورداری از نیروی انسانی، منابع اقتصادی و ظرفیت‌های اجتماعی زمانی به مزیت تبدیل می‌شود که ساختار تصمیم‌گیری



امکان مشارکت و اثرگذاری آنها را فراهم کند. پزشکیان از همین منظر، بروکراسی و دیوان‌سالاری دست‌وپاگیر را یکی از موانع مشارکت دانست و بر واگذاری اختیار تأکید کرد. او گفت، دولت تلاش کرده بروکراسی‌های زائد را حذف کند و اختیارات را به استانداران و از آنجا به فرمانداران واگذار کند؛ چراکه به اعتقاد او، «برای اینکه کسی بتواند، مسئولیت پذیرد و مسئله‌ای را حل کند باید اختیار متناسب با مسئولیت نیز داشته باشد».

او حتی فراتر رفت و گفت، بسیاری از ظرفیت‌های موجود در جامعه ممکن است از توانمندی برخی مدیران نیز فراتر باشد. مسئله، به روایت رئیس‌جمهور، این است که گاهی ساختار حکمرانی اجازه نمی‌دهد این توانمندی‌ها بروز کنند.

روایت پزشکیان از دیدار با رهبری

بخش دیگری از سخنان رئیس‌جمهور به دیدار اخیرش با رهبر انقلاب اختصاص داشت؛ دیداری که پزشکیان آن را «بسیار خوب و راهگشا» توصیف کرد. او گفت: «در این دیدار مسائل، مشکلات و دغدغه‌های کشور را به‌طور مفصل مطرح کردیم و جلسه ساعت‌ها به طول انجامید. رهبر معظم انقلاب نیز در این دیدار توصیه‌ها و رهنمودهای لازم را ارائه کردند و درباره مسائل مختلف، نکات و دیدگاه‌های خود را مطرح فرمودند».

اشاره پزشکیان به این دیدار در ادامه همان چارچوبی قرار گرفت که او برای وحدت سیاسی ترسیم کرد؛ چارچوبی که در آن اختلاف‌نظر و بیان دیدگاه‌ها نفی نمی‌شود اما تصمیم نهایی پس از تعیین مسیر، مبنای حرکت جمعی قرار می‌گیرد.

از جنگ تا بازسازی اعتماد

نشست رئیس‌جمهور با احزاب در نهایت به تصویری از ایران پس از جنگ ختم می‌شود؛ کشوری که به تعبیر پزشکیان همزمان نیازمند حفظ قدرت بازدارندگی، ترمیم اقتصاد، حل مسائل اجتماعی و بازسازی اعتماد عمومی است. او از مردمی که در جریان جنگ اخیر در میدان ماندند، قدرانی کرد و در عین حال کسانی که با وجود گلایه از عملکرد مسئولان و مشکلات اقتصادی و اجتماعی با دشمن همراهی نکردند را نیز شایسته تقدیر دانست. به

گفته پزشکیان این افراد مشکلات، کمبودها و گرانی‌ها را دیده‌اند و ممکن است نسبت به عملکرد مسئولان اعتراض داشته باشند اما در شرایط حساس کشور امنیت و انسجام ملی را به خطر نینداختند.

پزشکیان، بارها معیشت مردم را در مرکز سخنان خود قرار داد و گفت، دغدغه‌اش به‌عنوان یک مسلمان در این کشور وضعیت معیشت مردم است. او تصریح کرد نمی‌تواند، جوانانی را ببیند که آینده‌شان مبهم است، بیکارند و فرصت اشتغال ندارند و نسبت به آینده خود نگرانی دارند و در عین حال صرفاً بگویند، مسیر درست است و باید همان مسیر ادامه پیدا کند.

رئیس‌جمهور از همین منظر بر رهیز از نگاه‌تک‌بعدی به مسائل اجتماعی تأکید کرد و گفت، کشور با یک مسئله تک‌متغیره مواجه نیست؛ بنابراین باید همه ابعاد واقعیت، ظرفیت‌ها، مشکلات و مطالبات جامعه در کنار یکدیگر دیده شوند.

او همچنین یکی از مشکلات اصلی کشور را نبود راه‌حل ندانست بلکه گفت: «مشکل ما نبود راه‌حل نیست؛ مشکل نبود افرادی است که دانش، مهارت و توانمندی لازم را داشته باشند و در عین حال بخواهند برای مردم کار کنند و برای خدمت به جامعه، فداکاری نیز داشته باشند».

مطالبات احزاب: از اقتصاد تا آزادی‌های اجتماعی

در سویی دیگری نشست ۲۱ نفر از دبیران کل احزاب و فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، اصولگرا و مستقل به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند. فهرست مطالبات و پیشنهادهای مطرح شده نیز گستره‌ای از مسائل اقتصادی و اجتماعی تا حکمرانی، سیاست خارجی و حقوق شهروندی را دربر می‌گرفت.

«ضرورت بازنگری در مدیریت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور در دوره پسا‌جنگ»، «توجه به نقش احزاب در پیگیری مطالبات اقشار و گروه‌های کمتر شنیده‌شده جامعه»، «ضرورت انعکاس عملکرد و دستاوردهای دولت»، «توجه به حکمرانی دیجیتال و ساماندهی فضای مجازی» و «استفاده از ظرفیت حکمرانی محله‌محور برای رفع آسیب‌های اجتماعی» از جمله محورهای مطرح‌شده بود.

همچنین «لزوم تحمل و مدارا و توجه بیشتر درخصوص لایحه کنوانسیون دریای خزر»، «لزوم توجه بیشتر دولت به تجمعات و حضورهای خیابانی مردم در دفاع از کشور»، «ضرورت اهتمام و توجه ویژه رئیس‌جمهور و دولت به معیشت مردم»، «افزایش کالابری و تقویت حمایت‌های معیشتی از مردم»، «اهمیت ترمیم اعتماد عمومی و امیدبخشی به جامعه» و «توجه ویژه به نسل جوان» در این نشست مطرح شد.

از دیگر مطالبات مطرح شده، می‌توان به «تلاش برای تبدیل توافق‌نامه با آمریکا از یک توافق سیاسی به یک تفاهم‌نامه ملی»، «توجه به آزادی‌های مشروع جامعه»، «اجرای قانون حقوق شهروندی» و «اعتماد به نسل جوان و فراهم کردن زمینه حضور آنان در مناصب حکمرانی» اشاره کرد.

فعالان سیاسی همچنین از دولت، نیروهای مسلح و رهبری به دلیل حفظ و پایداری کشور در جنگ اخیر تقدیر کردند و بر «توجه به مسئله مهم رضایت عامه با تأکید بر ثبات بازار و تأمین معیشت مردم»، «جلوگیری از رشد نقدینگی برای کنترل تورم» و «به حداقل رساندن استقراض از بانک مرکزی» تأکید کردند.

توجه به انرژی‌های تجدیدپذیر، «لزوم توجه به تراز مدیریتی در کشور»، تقدیر از برگزاری راهپیمایی اربعین و مراسم تشییع رهبری، کنار گذاشتن اختلافات در شرایط جنگ و کمک به دولت، رفع سوءتفاهمات با همسایگان جنوبی، پیگیری مذاکرات و اجرای توافق‌نامه‌ها، توجه به مسئله عفاف و حجاب و تقویت احساس اقتدار و قدرت نیز از دیگر محورهای این نشست بود.

در نهایت، «بروکراسی‌زدایی از حکمرانی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین موانع حضور و مشارکت مردم در میدان» و «ضرورت استمرار تفاهم و هماهنگی موجود میان دولت و نیروهای مسلح به‌عنوان یک دستاورد ارزشمند» نیز در فهرست دیدگاه‌های مطرح شده، قرار داشت.

ترامپ و سرنوشت کارتر

نشریات آمریکایی نوشتند

ترامپ به‌دنبال خروج آبرومندانه از جنگ است

گروه بین‌الملل: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در گفت‌وگو با وب‌سایت «اکسیوس» مدعی شد، ایران از نظر اقتصادی «در وضعیت بسیار بدی» قرار دارد و حتی پول کافی برای پرداخت به نیروهای خود را ندارد. ترامپ با اشاره به محاصره دریایی آمریکا علیه ایران گفت این اقدام بحران اقتصادی جمهوری اسلامی را تشدید کرده است. او همچنین تأکید کرد که واشنگتن تماس محدودی با تهران دارد و به جای صدور دستور برای آغاز یک عملیات نظامی جدید، در حال افزایش فشار اقتصادی بر ایران است.

با این حال همزمان با این اظهارات، گزارش‌های رسانه‌ای در آمریکا، تصویری متفاوت از وضعیت ترامپ ارائه می‌کنند؛ تصویری که نشان می‌دهد، رئیس‌جمهور آمریکا بیش از آنکه به‌دنبال تشدید جنگ باشد، در تلاش برای یافتن راهی برای خروج از آن است. روزنامه «وال‌استریت ژورنال»، رسانه‌ای نزدیک به جمهوری‌خواهان، در گزارشی نوشت، اظهارات اخیر ترامپ نشان می‌دهد، او به‌دنبال خروج از «جنگ با ایران» است. این روزنامه تأکید کرد ترامپ تصور می‌کرد، بازگشایی تنگه هرمز قریب‌الوقوع است اما «ایران برنامه‌های دیگری داشت». مقام‌های آمریکایی به‌وال‌استریت ژورنال گفته‌اند

خاورمیانه

پیمان نیم‌بند

واکنش‌ها به توافق مکه افزایش یافت



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

امضای «اتفاق‌نامه دفاع مشترک مکه» میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان، بازتاب گسترده‌ای در سطح منطقه و جهان داشته و بار دیگر بحث درباره شکل‌گیری آرایش‌های جدید امنیتی در خاورمیانه را به صدر تحولات دیپلماتیک بازگردانده است. این پیمان دفاعی که جمعه گذشته با حضور محمد بن سلمان ولیعهد عربستان، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه و شهباز شریف نخست‌وزیر پاکستان به امضا رسید، در واقع امتداد توافق دوجانبه‌ای است که ریاض و اسلام‌آباد در سپتامبر ۲۰۲۵ امضا کرده بودند.

رهبران ترکیه و پاکستان، تلاش کرده‌اند هرگونه برداشت درباره شکل‌گیری ائتلافی علیه کشور مشخصی را رد کنند. اردوغان اعلام کرده که توافق دفاعی مشترک میان ترکیه، عربستان و

پاکستان علیه هیچ کشوری نیست و هر کشور دوست دیگری نیز می‌تواند به آن بپیوندد. هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه نیز اخیراً گفته که اردوغان درصدد گسترش این پیمان دفاعی است و تأکید کرده که این توافق علیه هیچ کشور خاصی طراحی نشده است.

اسحاق دار، وزیر امور خارجه پاکستان نیز در پیامی هدف اصلی این توافق را تقویت تلاش‌های جاری برای صلح، ثبات و رفاه در منطقه دانست. او گفت این توافق می‌تواند برای دیگر کشورهای منطقه که خواهان حفظ اصول بنیادین و حل اختلافات از طریق احترام متقابل، همکاری و ابزارهای صلح‌آمیز هستند نیز قابل استفاده باشد. با این حال مهم‌ترین بخش توافق، بند مربوط به دفاع جمعی است. براساس این توافق‌نامه هرگونه

حمله مسلحانه خارجی علیه یکی از سه کشور، حمله علیه هر سه کشور تلقی خواهد شد؛ بندی که اسحاق دار آن را منطبق با حق ذاتی دفاع فردی و جمعی براساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد دانسته است. همین بند موجب شده، پیمان مکه از سوی برخی ناظران با سازوکار دفاع جمعی ناتو مقایسه شود.

واکنش ایران

امضای این توافق با واکنش ایران نیز همراه شد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، با اشاره به پیمان سه‌جانبه پاکستان، ترکیه و عربستان، گفت دلیلی برای نگرانی از این توافق وجود ندارد. او این پیمان را نشانه‌ای از تغییر در ادراک کشورهای منطقه نسبت به مفهوم امنیت دانست. بقایی با اشاره به تحولات دو

ترامپ طی هفته‌های گذشته در حال آماده‌سازی زمینه برای اعلام پیروزی در جنگ ایران در صورت بازگشایی کامل تنگه هرمز توسط تهران بوده و حتی در گفت‌وگوهای خصوصی با دستیاران ارشد خود، این ایده را مطرح کرده بود که حاضر است بدون دستیابی به توافق هسته‌ای از جنگ خارج شود.

اما به نوشته این روزنامه، ایسن هدف که عملاً به یک خروج محدود و بدون توافق هسته‌ای تبدیل شده بود، زمانی دشوارتر شد که ایران روز شنبه بر بالاترین قیمت خود تاکنون برای اجازه دادن به جریان آزاد ترافیک در تنگه هرمز اصرار کرد؛ خواسته‌هایی که شامل میلیاردها دلار از آمریکا، خروج نیروهای آمریکایی از منطقه، پایان محاصره دریایی واشنگتن و موارد دیگر می‌شود. وال‌استریت ژورنال در ادامه هشدار داد این زنجیره سریع تحولات، گزینه‌های ترامپ برای خروج از درگیری را بار دیگر محدود کرده است. ترامپ بارها تهدید کرده بود که کارزار بمباران علیه ایران را به شکل گسترده‌ای تشدید خواهد کرد اما هر بار از این تهدیدها، عقب‌نشینی کرده است. با این حال هرج‌ومرج اخیر در مذاکرات نشان می‌دهد تهران خود را برای یک درگیری طولانی و فرسایشی آماده کرده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های ترامپ، تداوم بسته ماندن

هراس اسرائیل از پیوستن مصر

اسرائیل نیز با نگرانی تحولات مربوط به پیمان مکه را دنبال می‌کند؛ به‌ویژه احتمال گسترش این توافق و پیوستن کشورهای دیگری مانند مصر. اهمیت مصر برای اسرائیل از آن جهت ویژه است که قاهره نخستین کشور عربی بود که با اسرائیل پیمان صلح امضا کرد و همچنان یکی از ستون‌های اصلی ترتیبات امنیتی در جنوب سرزمین‌های اشغالی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی پیوستن مصر به ائتلافی متشکل از ترکیه که مواضع تعدی علیه سیاست‌های اسرائیل دارد و پاکستان که اساساً اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، می‌تواند آینده هماهنگی‌های امنیتی میان قاهره و تل‌آویو را تحت‌تأثیر قرار دهد و حتی نگرانی‌هایی درباره آینده توافق کمپ‌دیوید ایجاد کند.

نخستین آزمون پیمان مکه

با وجود همه این ملاحظات، مهم‌ترین پرسش درباره توافق مکه نه در سطح دیپلماتیک بلکه در میدان عمل مطرح خواهد شد. روزنامه گاردین در همین زمینه یمن را نخستین آزمون پیمان دفاعی مشترک عربستان، ترکیه و پاکستان دانسته است. این توافق از نظر سازوکار دفاعی به ناتو تشبیه شده اما پرسش اصلی این است که آیا اعضای آن در شرایط واقعی بحران، حاضر به پرداخت هزینه اجرای تعهدات خود خواهند بود یا خیر. عربستان سعودی در میان سه عضو بیشترین نیاز را به این پیمان دارد؛ زیرا با کاهش بازدارندگی خود در برابر ایران و انصارالله یمن به دنبال ایجاد یک پشتوانه امنیتی جدید است. در مقابل، ترکیه و پاکستان نیازهای امنیتی متفاوتی دارند و مشخص نیست در صورت وقوع بحران، حاضر باشند مستقیماً وارد جنگی شوند که عربستان درگیر آن است.

تعارض اعضا

مهم‌ترین آزمون پیمان زمانی رخ خواهد داد که منافع اعضا با یکدیگر تعارض پیدا کند. برای نمونه اگر عربستان در یک درگیری احتمالی با ایران خواستار حمایت نظامی ترکیه شود، مشخص نیست آنکارا حاضر باشد برای دفاع از ریاض وارد جنگ شود.

اختلافات تاریخی و ایدئولوژیک میان ترکیه و عربستان نیز بر این تردیدها می‌افزاید. از سوی دیگر وابستگی هر سه کشور به آمریکا می‌تواند این توافق را در چارچوب راهبرد گسترده‌تر واشنگتن برای افزایش فشار بر ایران قرار دهد؛ هرچند اعضای پیمان رسماً چنین برداشتی را رد کرده‌اند.

برخی ناظران حتی پیمان مکه را نسخه‌ای جدید از «پیمان بغداد» در دهه ۱۹۵۰ می‌دانند؛ ائتلافی که در نهایت نه تنها نتوانست ثبات پایدار ایجاد کند بلکه به تشدید رقابت‌های منطقه‌ای کمک کرد. در مجموع تفاوت محاسبات راهبردی اعضا، وابستگی آنان به آمریکا، اختلافات منطقه‌ای و ایدئولوژیک، ماهیت عمدتاً سنی ائتلاف و نبود منافع مشترک کاملاً روشن، ظرفیت عملیاتی توافق مکه را با پرسش‌های جدی مواجه می‌کند.



از این درگیری تأکید کرده است. یکی از این منابع صراحتاً به سسی‌ان‌ان گفت: «کین دنبال یک راه در رو است». کین در این نگرانی تنها نیست. او نگرانی‌های خود درباره گزینه‌های نظامی تشدید جنگ را با مقام‌های کلیدی دولت، از جمله جان رتکلیف رئیس سسیا، مارکو رویبو وزیر خارجه و جی‌دی ونس معاون رئیس‌جمهور در میان گذاشته است. او همچنین با شماری از مشاوران کلیدی و همفکر ترامپ، گفت‌وگوهای جداگانه‌ای داشته تا هماهنگی میان نهادهای افزایش یابد و پیش از جلسات با رئیس‌جمهور، همه از محدودیت‌ها و خطرات گزینه‌های نظامی، حتی گزینه‌هایی که به اعزام نیروی زمینی آمریکا نیاز ندارند، آگاه باشند. شاید کریس کریستی، فرماندار سابق نیوجرسی در توصیف وضعیت کنونی ترامپ، دقیق‌ترین تعبیر را به کار برده باشد: «ترامپ دارد به چیزی تبدیل می‌شود که هیچ‌وقت نمی‌خواست باشد؛ جیمی کارتر. او گروگان ایران شده و تمام این ماجرا هم کاملاً داوطلبانه بوده است»

دیپلماسی

هشدار ظریف

درباره یک خطر داخلی

از دستاوردها روایت ذلت نسازیم

محموداد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران و رئیس اندیشکده پایاب با تأکید بر ضرورت صیانت از فرصت تاریخی پیش روی کشور، خواستار شکل‌گیری «روایت میهنی از دستاوردها» و عبور ایران از نگاه تهدیدمدار به رویکردی فرصت‌مدار شد و تأکید کرد که این تغییر باید در شیوه حکمرانی داخلی و کنشگری خارجی کشور نیز نمود پیدا کند. او با اشاره به اینکه دوران کنونی زمانه نبرد روایت‌هاست، تأکید می‌کند که باید روایت درستی از حرکت تکاملی ایران در تأمین امنیت سپس نهادینه‌سازی و گسترش آن با دستاوردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پردازش و فراگیر شود. به نوشته ظریف نباید اجازه داد که دشمنان خارجی و ناآگاهان داخلی از این دستاورد تاریخی، روایت ذلت، عقب‌نشینی یا پشیمانی از گذشته را برسازی کنند. او معتقد است با نگاه مبتنی بر آیندپردازی فرصت‌مدار می‌توان چارچوب نهادینه‌سازی و بهره‌برداری از جایگاه کنونی جمهوری اسلامی ایران برای جهش به آینده را بر پایه سه محور بنا کرد: نهادینه‌سازی روایت دستاوردها، راهبرد ملی برای پایان تهدیدمداری و آغاز فرصت‌مداری و راهکار دیپلماسی چندوجهی فرصت‌مدار با اعتماد به توان ملی. ظریف با اشاره به حال‌وهوای جامعه و «کنش‌های دو دستگی‌آفرین و نومیدکننده» پس از اعلام دستیابی به یادداشت تفاهم، تأکید می‌کند که باید بی‌درنگ یک روایت میهنی از دستاوردها آفریده شود و پیرامون آن هم‌آوایی و همبستگی میهنی شکل گیرد. به نوشته وزیر امور خارجه پیشین ایران، دال مرکزی این روایت که با دستاوردهای دو جنگ تحمیلی سازگار است باید «جهش به پیش از جایگاه خودباوری» باشد؛ نه چرخش به گذشته، عقب‌نشینی از سیاست‌ها و یا «نوشیدن جام زهر». وزیر امور خارجه پیشین ایران، باور به مردم به‌عنوان بزرگ‌ترین ستون بازدارندگی کشور، نرم‌خویی با شهرودندان و هم‌افزایی و شکوفاسازی توانمندی‌های جامعه مدنی، بخش خصوصی و کنشگران غیردولتی را پیش‌نیاز داخلی فرصت‌مداری می‌داند. ظریف تأکید می‌کند این جایگاه باید به رسمیت شناخته شود و متناسب با چنین نگرشی، شیوه کنش سامانه زمامداری با مردم بازنگری شود. او همچنین «برخورد با سازمان گسترده نفوذ در کشور» را پیش‌نیاز دیگر این حرکت می‌داند و معتقد است این سازمان همانند گذشته، کلیدی‌ترین سد در برابر این جهش به سوی آینده خواهد بود.





گزارش نشست

هنگامه مشروطه

گزارش نشست مشروطه و اندیشهٔ توسعه در ایران

نشست تخصصی «مشروطه و اندیشهٔ توسعه در ایران» به‌مناسبت یک‌صدویستمین سال امضای فرمان مشروطیت، یک‌شنبه ۱۸ مرداد، در مرکز دائرةالمعارف اسلامی برگزار شد. در پیل نخست این نشست، کاظم موسوی‌بجنوردی، منصوره اتحادیه، مصطفی محقق‌داماد، احمد حسن‌زاده، حسن حضرتی، علیرضا ملّایی‌توانی، عباس قدیمی‌قیداری، جواد مرشدلو و گودرز رشتیانی سخنرانی کردند.

در ابتدای این نشست، کاظم موسوی‌بجنوردی، رئیس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی گفت: «جنبش مشروطه در ۱۲۰ سال پیش با آرزوی عدالت جان گرفت و سپس گسترش مفهومی و شکلی یافت و تبدیل به خواستی ملی برای ورود به جهانی نو شد؛ جهانی که نه فقط پارلمان، قانون و حقوق و آزادی‌های اساسی طلب می‌کند که اساساً نگاهی نو و دگرگون‌شده به خود انسان و مفاهیم مَقوم جامعه دارد. در حقیقت مشروطه بسان پلی بود که ایران را از دنیای سنتی و کهن به عصری مدرن رهنمون کرد. اساس جنبش مشروطیت را می‌توان پاسخی به عقب‌ماندگی ایران و آغاز کوشش‌ها به جانب ترقی جامعه دانست و این تکاپو تا امروز هم‌چنان ادامه یافته است».

روشن‌فکران تقلیل‌گرا

در ادامه این نشست، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، استاد پیشکسوت تاریخ به موضوع علل ناکامی انقلاب مشروطه پرداخت و گفت: «حدود ۱۲۰ سال از مشروطه می‌گذرد و ما هم‌چنان دربارهٔ آن بحث می‌کنیم و احتمالاً ۱۲۰ سال آتی هم در دربارهٔ آن بحث خواهد شد، همان‌طور که هنوز دربارهٔ انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ بحث می‌شود. زمینه‌های فکری انقلاب مشروطه بر پایه نظریات سیاسی غربی استوار بود. ارتباط ایران با اروپا، از اوایل قرن نوزدهم میلادی آغاز شد و افکار نو به مرور طی قرن گذشته گاه از طریق عثمانی و گاه از طریق اروپا، رو به فزونی نهاد و ایرانیان با تفکرات سیاسی و اجتماعی غرب آشنا شدند. البته این آشنایی غیرمستقیم چندان عمیق نبود. با این‌همه، بسیاری از روشن‌فکران آن روزگار مجذوب زندگی غربی شدند و در آثار خود اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را با معیارهای اروپایی سنجیدند. اما راه‌هایی را که برای توسعهٔ ایران، پیشنهاد می‌کردند، درست و عمیق نمی‌شناختند. این راه‌ها نمی‌توانست تودهٔ بی‌سواد را که سخت در پی گذران زندگی سادهٔ خود بود، به حرکت وادارد. برای فراگیر کردن جنبش، می‌بایست بر ضعف‌ها و کاستی‌های عینی‌تر و ملموس‌تر و بر مباحث سادتر سیاسی تکیه می‌کردند. از این‌رو، خرده گرفتن از ناپسامانی‌های اقتصادی کشور، خاصه ضعف‌های روحی و اخلاقی مظفرالدین‌شاه که در ازای گرفتن وام برای سفرهای پرخرج خود به اروپا، کشور را به بیگانگان می‌فروخت، آغاز شد».

در ادامه این نشست، مصطفی محقق‌داماد، رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ایران گفت: «نهضت مشروطیت به یقین یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ ایران است و به هیچ‌وجه نمی‌شود با انقلاب‌های دیگر مقایسه کرد. این‌که تودهٔ مردم و توده جامعه یک منطقه دست به‌دست هم بدهند و بگویند که باید قدرت حاکمان را تقلیل داد و محدود کرد و همه خواهان نظم و انضباط بشوند؛ حرف کمی نیست. قدم به پیش نهادن، خیلی عجیب و نه یک قدم که گامی بزرگ است. باید نام هنگامه را بر آن بگذاریم لذا هنگامه مشروطه بود. از آن روز تا امروز کتاب‌های زیادی در این مورد نوشته شده است. کتاب‌های معاصر آن ایام، مثل کتاب ناظم‌الاطباء یا ادوارد براون و کتاب‌ها و مقالات بعد از آن‌که برخی فقط نقل تاریخ و بعضی تحلیل و تقلیل و توجیه هستند».

مشروطه، مسئله امروز ما

احمد مسجدجامعی نیز در این مراسم گفت: «مشروطه مسئله امروز ماست. مشروطه بنیادی را پایه‌گذاری کرد که امروز در ادامه آن هستیم. حدود و اختیار مجلس و نحوهٔ تعامل بسا وزرا و وضع قوانین و انتخاب نمایندگان و ارتباط با دستگاه‌ها دچار مشکل است. این مسئله هنوز حل نشده و موضوع روز است. کسانی که می‌گویند مشروطه زودرس بود، قراردادی که نیست. منورالفکران پایگاه اجتماعی نداشتند و اگر آخوند نمی‌آمد شکل نمی‌گرفت. یک پایگاه آن درباریان بودند، امر ملی با مشروطه شکل گرفت. در مشروطه بستر اجتماعی خیلی مهم است که در آن دوره نبود».



فلسفه و حاشیه‌هایش

نگاهی به جدیدترین اثر کاوه لاجوردی مانعة‌الجمع

منصوره شوشتری

روزنامه‌نگار



آیا وقتی کتابی در مورد تاریخ مکاتب فلسفی یا زندگی‌نامهٔ فیلسوفان می‌خوانیم، کاری فلسفی می‌کنیم؟ یا آن هنگام که می‌خواهیم از یک نظریهٔ فلسفی سردیابوریم؟ یا وقتی آن نظریه را بفهمیم و در رد یا قبول آن مقاله‌ای مکتوب کنیم؟ آیا این‌ها مانعة‌الجمع (متضاد) است یا مانعة‌الخلو (سازگار)؟

با وجود پیشرفت هر روزه رشته‌های علمی پیشین و روی کارآمدن رشته‌های پسین و دانش‌های میان‌رشته‌ای، فلسفه که از دیروزها دانش مبنایی به‌شمار می‌آمده است، هنوز و هم‌چنان برای بسیاری جذاب است و نویسندگان و فیلسوفان در جهان در حال فلسفیدن و مکتوب کردن اندیشه‌های خود هستند.

جدیدترین اثر کاوه لاجوردی هم به‌نام «مانعة‌الجمع، مشتمل بر نوشته‌هایی فلسفی و دربارهٔ فلسفه» که به‌تازگی توسط نشر نو منتشر شده، از نظر موضوعی در دستهٔ آثار فلسفی قرار می‌گیرد. اثر مذکور دست‌کم براساس آمار کتاب‌خانهٔ ملی اولین اثر تألیفی و مستقل اوست؛ اگر «فقد ناگهانی عقلانیت» را کنار بگذاریم که مجموعه‌نوشته‌های ویلاگی اوست.

لاجوردی این روزها نامی



آشنا در جامعهٔ فلسفی ایران است که پس از پایان تحصیلات خود در رشتهٔ ریاضی دانشگاه‌های صنعتی شریف و تهران و پیش از آغاز فلسفه‌خوانی در دانشگاه تورنتو، با ترجمهٔ کتاب «نام‌گذاری و ضرورت» از سول کرییکی (هرمس، ۱۳۸۱) کار خود را در زمینهٔ ترجمه متون فلسفی شروع کرد و ایسن روند را با جدیت دههٔ ۸۰ و ۹۰ ادامه داد، اما به نظر می‌رسد در دههٔ جدید بیشتر به تألیف تمایل دارد تا ترجمه.

نگاهی به سیر سوابق قلمی و سخنرانی‌های لاجوردی نشان می‌دهد او در شاخهٔ فلسفه تحلیلی (analytic philosophy)؛ یکی از نحله‌های مطرح فلسفه حاضر در جهان فعالیت می‌کند؛ اگر نگوییم پیرو این مکتب است. فیلسوفان این نحلهٔ فکری بر روشنی زبان، استدلال و منطق تأکید دارند و این مکتب معمولاً در برابر فلسفه قاره‌ای قرار می‌گیرد.

کتاب «مانعة‌الجمع» شامل ۱۲ مقاله فلسفی یا غیرفلسفی اما مرتبط با فلسفه است که فقط مقاله‌های اول، سوم و دوازدهم پیش‌تر جایی چاپ نشده یا برگرفته از سخنرانی‌های لاجوردی یا مناظره‌های او نیست، بعضی از مقالات هم مانند مقالهٔ هفتم قبلاً در نشریه‌ای انگلیسی‌زبان منتشر شده و برای چاپ در این اثر با تغییراتی به زبان فارسی بازنویسی شده است.

عشق آسان نمود اول ولی...

شاید از نام کتاب به‌سختی بتوان فهمید منظور لاجوردی از زیرعنوان «مشتمل بر نوشته‌هایی فلسفی و دربارهٔ فلسفه»

گزارش: سینیمای ایران

مخفیانه تا جشنواره

درباره سینمای زیرزمینی ایران به بهانه انتشار فیلم «بی‌داد»

امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ



با انتشار فیلم «بی‌داد» ساخته سهیل بیرقی در یوتیوب، این کارگردان بار دیگر مسئله ساخت و انتشار فیلم‌های زیرزمینی در ایران را به بحث اول محافل هنری تبدیل کرد. فیلم «بی‌داد» مانند فیلم‌هایی از این دست، بدون دریافت مجوزهای رسمی از وزارت ارشاد و نهادهای مربوطه، تولید و ساخته شد و طی یک عملیات ماجراجویانه برای پخش در جشنواره کارلوی واری جمهوری‌چک، از کشور خارج شد. حالا این فیلم که اجازه نمایش در سینماهای ایران و پلتفرم‌های رسمی داخلی را ندارد، روی کانال یوتیوب سهیل بیرقی، برای تماشای مخاطبان آپلود شده، آن‌هم در حالی‌که کارگردانش به اتهام تخلف در ساخت فیلم، به چهار سال و سه ماه حبس محکوم شده است.

فیلم‌های زیرزمینی

فیلم زیرزمینی در ایران، به فیلمی گفته می‌شود که بدون مجوزهای دولتی ساخته شده و در بسیاری از مواقع فیلم‌سازی که اقدام به ساخت چنین فیلم‌هایی کرده‌اند نیز با احکام قضایی روبه‌رو شده‌اند. در این میان، برخی نام‌های سرشناس هم دیده می‌شوند، ازجمله جعفر پناهی که از همان اولین تجربه‌های فیلم‌سازی‌اش با چالش توقیف و عدم صدور مجوز پخش مواجه شد. پناهی در سال ۱۳۷۸ و بعد از توقیف فیلم «دایره» این فیلم را برای نمایش، به جشنواره‌های خارجی فرستاد. درواقع، دایره یکی از اولین فیلم‌های ایرانی دوره مؤخر است که بدون اکران رسمی در ایران، در دنیا نمایش داده شده است. با این‌وجود، پناهی در سال‌های اخیر که با احکام قضایی مانند ممنوعیت فیلم‌سازی و خروج از کشور مواجه بود نیز دست از کار نکشید



چیست؛ اما دیری نمی‌پاید که دست‌کم برای مخاطب ناآشنا با مفاهیم پیچیده فلسفه (مثلاً در حد یک دانشجوی خوب کارشناسی ارشد فلسفه) مشکل‌ها نمایان می‌شود. فصل اول که به‌جای مقدمه از آن یاد کرده به موانع فلسفه‌خوانی می‌پردازد. لاجوردی در این فصل اشتغال به حواشی، غرق‌شدن در مقدمات، نگاه به فلسفه چونان امر قدسی یا چونان سبک زندگی و خطا در فیلسوف‌شناسی را مانع خواندن فلسفه برمی‌شمارد. اما این سوالات را بی‌پاسخ می‌گذارد که برای خواندن و فهمیدن فلسفه چه باید بکنیم؟ فرض که خواندن فلسفه در دانشگاه را خوش نداریم، بدون هر مقدمه‌ای راحت فلسفه را می‌فهمیم؟ دست‌کم خود او در فصل‌های بعدی، مخاطب را ناامید می‌کند. نویسنده در فصل سوم موضوعی نسبتاً ملموس‌تر را بیان می‌کند و به یکی از وجوه شخصیت سقراط آن‌گونه که افلاطون تصویر کرده، می‌پردازد و پرسش‌های مکرر سقراط از مردم عادی را نوعی رذیلت می‌شمارد؛ نگاهی که برای مخاطب پیگیر فلسفه جدید است؛ گویا لاجوردی از این راه می‌خواهد خواننده را به نگاه کردن متفاوت و جدید به موضوعات قدیمی بخواند.

اما در فصل پنجم سراغ موضوع چالشی فلسفهٔ تحلیلی و قاره‌ای می‌رود. افرادی که اخبار نشست‌های فلسفی را دنبال می‌کنند، می‌دانند لاجوردی سال ۹۰ در مناظره‌ای با بیژن عبدالکریمی، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی، به تفاوت‌های این دو نوع فلسفه پرداخت و با این‌که در این مقاله باز تأکید می‌کند تفاوت چندانی بین فلسفه تحلیلی و فلسفه قاره‌ای نمی‌بیند، در مقایسه با آن مناظره (که در ابتدایش گفته بود، از فلسفه قاره‌ای زیاد نمی‌داند) دقیق‌تر این دو نحله فکری را در ترازوی قیاس می‌نشانند. لاجوردی در پاره‌ای از مقالات؛ مانند مقاله دوم در مورد خوب و بد اخلاقی به موضوعاتی می‌پردازد





نبرد برای آزادی

«گاز اشک‌آور»؛ فیلمی که در دل اعتراضات واقعی ساخته شد

اوتا بریا، فیلم‌ساز گرجستانی، فیلم داستانی خود را در میان تظاهرات واقعی ضدحکومتی در تفلیس ساخته است؛ تجربه‌ای که آن را به روایتی متفاوت از مقاومت، آزادی بیان و جامعه‌ای تبدیل کرده که زیر فشار سیاسی، برای حفظ رویاهایش می‌جنگد.

إلته، دختر ۱۶ساله، همراه خانواده‌ای که زخم‌های جنگ را بر تن و روح خود دارند، وارد تظاهرات گسترده‌ای در تفلیس می‌شود؛ اعتراضاتی که خیابان‌های پایتخت گرجستان را به میدان نبردی برای آزادی تبدیل کرده‌اند. اما حضور در این اعتراضات، تنها آنها را با نیروهای امنیتی و فضای سیاسی متشنج کشور روبه‌رو نمی‌کند؛ بلکه اختلاف‌ها و شکاف‌هایی را نیز آشکار می‌کند که از مدت‌ها قبل در حال فروپاشیدن خانواده بوده‌اند.

این خلاصه داستان در نگاه اول، می‌تواند متعلق به یک فیلم مستند باشد. اما «گاز اشک‌آور»، چهارمین فیلم اوتا بریا، فیلمی داستانی است؛ فیلمی که بخش مهمی از آن در جریان تظاهرات واقعی ضدحکومتی در تفلیس فیلم‌برداری شده است.

این فیلم قرار است چهارشنبه ۲۱ مرداد، در بخش «فیلم‌سازان حال» جشنواره فیلم لوکارنو، نخستین نمایش جهانی خود را تجربه کند. پروژه بریا پیش از این در بخش صنعتی جشنواره بین‌المللی فیلم روتردام دو جایزه دریافت کرده بود؛ ازجمله جایزه‌ای به ارزش ۱۰هزار یورو برای پرداختن به مضامین آزادی بیان و تنش سیاسی. اما اهمیت «گاز اشک‌آور» تنها به داستان آن محدود نمی‌شود. شیوه تولید فیلم نیز بخشی از معنای آن است. بریا برای ساخت فیلم، بازیگران‌اش را به میان مردمی برد که واقعاً در خیابان‌های تفلیس علیه دولت اعتراض می‌کردند. بنابراین مرز میان واقعیت و داستان در این فیلم عملاً از میان رفته است. تظاهرات ضدحکومتی در گرجستان که اکنون بیش از ۶۰۰ روز است ادامه دارد، واکنشی به نگرانی‌هایی درباره حرکت کشور به سمت اقتدارگرایی و دور شدن از رویای تبدیل شدن به یک دموکراسی و عضویت در اتحادیه اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی است. یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری این اعتراضات، قانون موسوم به «اعوام خارجی» است؛ قانونی که منتقدان آن را با قوانین مشابه در روسیه مقایسه می‌کنند و به همین دلیل در میان معترضان به «قانون روسیه» شهرت یافته است. بریا می‌گوید ساخت فیلم پنج سال طول کشید؛ زمانی بسیار طولانی که تنها به دشواری‌های تولید سینمایی مربوط نمی‌شد. او از مشکلات تأمین بودجه و فشارهای نهادی نیز سخن می‌گوید. فیلم در سال ۲۰۲۲ با مرکز ملی سینمای گرجستان قرارداد بست، اما مرحله دوم بودجه هرگز پرداخت نشد. گروه سازنده پس از ماه‌ها پیگیری، در نهایت مجبور شد بودجه فیلم را کاهش دهد و منابع مالی باقی‌مانده را شخصاً تأمین کند. مشکلات پس از پایان تولید نیز ادامه یافت. هنگامی که مرکز ملی سینمای گرجستان متوجه شد فیلم در لوکارنو به نمایش درمی‌آید، به گروه نامه‌ای تهدیدآمیز ارسال و اعلام کرد با نمایش عمومی فیلم موافق نیست و حتی از احتمال جریمه‌ای معادل ۱۰درصد ارزش قرارداد سخن گفت. با این حال، جشنواره لوکارنو اعلام کرده نمایش جهانی فیلم طبق برنامه برگزار خواهد شد. اما شاید دشوارترین بخش تولید، فیلم‌برداری در دل تظاهرات واقعی بوده باشد. بریا درباره این تجربه می‌گوید هیچ‌چیز قابل پیش‌بینی نبود. گروه ناچار بود برای هر روز چند نقشه مختلف داشته باشد و هم‌زمان با تغییر شرایط خیابان، تصمیم بگیرد چگونه فیلم‌برداری را ادامه دهد. خطر زمانی جدی‌تری می‌شد که پلیس برای متفرق کردن معترضان، از گاز اشک‌آور استفاده می‌کرد؛ اتفاقی که به گفته بریا تقریباً هر روز رخ می‌داد.

گروه تلاش می‌کرد بازیگران را به محض آغاز خشونت به محل امن منتقل کند، اما خود بریا، فیلم‌بردار و مدیر فیلم‌برداری در صحنه باقی می‌ماندند. ارتباط میان اعضای گروه نیز آسان نبود. آنها عمداً از بی‌سیم استفاده نمی‌کردند، زیرا بیم آن داشتند که پلیس آنها را به‌عنوان سازمان‌دهندگان اعتراضات شناسایی کند. تلفن‌های همراه نیز همیشه کار نمی‌کردند؛ یا شبکه زیر فشار استفاده گسترده قرار می‌گرفت یا احتمالاً ارتباطات مختل می‌شد. راه‌حل، ساده اما خلاقانه بود: پرچم‌هایی با اندازهای مختلف. اعضای گروه از این پرچم‌ها برای پیدا کردن یکدیگر در میان هزاران معترض استفاده می‌کردند. همین شرایط باعث شد فیلم با فاصله زیاد و استفاده از عدسی‌های بلند فیلم‌برداری شود؛ به شکلی که هزاران نفر میان دوربین و بازیگران قرار داشتند. بریا از بازیگران نیز خواسته بود ساعت‌ها در نقش خود باقی بمانند، حتی زمانی که نمی‌دانستند دوربین دقیقاً چه لحظه‌ای آنها را در قاب خواهد گرفت. نتیجه، به گفته کارگردان، لحظاتی غیرقابل پیش‌بینی و کاملاً طبیعی بود؛ لحظاتی که گروه گاهی بازیگران را در میان جمعیت گم می‌کرد و دوباره پیدا می‌کرد. عنوان فیلم نیز بخشی از همین نگاه است. بریا معتقد است گاز اشک‌آور برای متفرق کردن، جدا کردن و خفه کردن مردم ساخته شده است؛ اما همین سلاح، می‌تواند نتیجه‌ای معکوس داشته باشد:

زمانی که ترس و وحشت بر انسان غلبه می‌کند، او به‌طور غریزی برای آنچه دوست دارد و برای کسانی که برایش ارزشمندند، مبارزه می‌کند. بریا ساخت این فیلم را «یک عمل مقاومت» می‌داند. او می‌گوید دوستان و همکارانی دارد که در زندان هستند و خودش نمی‌تواند آنها را آزاد کند، اما می‌توانسته تمام وجودش را در ساخت این فیلم بگذارد. او حتی نمی‌داند سرنوشت خودش پس از نمایش «گاز اشک‌آور» چه خواهد بود. با این حال، تأکید می‌کند که قصد ندارد برای فرار از زندان پنهان شود. «گاز اشک‌آور» در نهایت فیلمی درباره تظاهرات، خشونت پلیس یا یک خانواده درگیر بحران نیست؛ فیلم درباره مردمی است که در شرایطی که تلاش می‌شود آنها را از یکدیگر جدا کند، دوباره به یکدیگر نزدیک می‌شوند. عنوان فیلم نیز دقیقاً همین معنا را دنبال می‌کند: سلاحی که قرار است جمعیت را متفرق کند، در کمال تناقض می‌تواند آنها را وادار کند برای یکدیگر بایستند و از یکدیگر دفاع کنند. به همین دلیل، برای اوتا بریا، «گاز اشک‌آور» نه فقط یک فیلم سیاسی، بلکه سندی از مقاومت است؛ فیلمی داستانی که واقعیت را به صحنه آورده و تلاش کرده است در یکی از پرتشن‌ترین دوره‌های سیاسی گرجستان، صدای مردمی را ثبت کند که هنوز حاضر نیستند برای حفظ آزادی خود سکوت کنند.



رسم‌الخط تا حدی متفاوت (به نوشته جناب‌شان در مقدمه «فقد ناگهانی عقلانیت» رسم‌الخط التقاطی)، استفاده زیاد از علائم سجاوندی و حشو مخل (استفاده زیاد از حرف ربط که، فعل اسنادی است و جمله‌های معترضه فراوان) و در نهایت ترافیک بصری بالا در همه صفحات باشد.

البته که هر نویسنده‌ای می‌تواند و باید لحن خود را در نوشتن داشته باشد و همه نباید مثل هم بنویسند اما حد و مرز شخصی‌نویسی کجاست؟ آیا ساده و روشن‌نوشتن در کتابی تخصصی نویسنده را بهتر به هدف خود نزدیک نمی‌کند؟ نکته دیگر نبود هیچ پانویشت‌های توضیحی در مورد اسامی غیرفارسی، نظر به‌ها و مکاتب و غیره است. نویسنده همهٔ اسامی خاص را فقط در حد دیکته لاتین در نمای پایانی گرد آورده و اگر خواننده بخواهد مثلاً در مورد هر شخصیتی بیشتر بداند، باید موتورهای جست‌وجو را دریابد. با همهٔ آن‌چه رفت و با تمام اهمیتی که ترجمه و جایگاه مترجمان دارد، انتشار اولین اثر تألیفی لاجوردی آن هم به این شکل جدی، ارزشمند است. امید که جامعهٔ فلسفی ایران با توجه و بیان نقد و نظر خود به این اثر و آثار این چنینی، راه را برای اندیشیدن خالص هموارتر سازد.

با وجود دوربین‌ها و امکانات بسیار کوچک‌تر و سبک‌تر دیجیتال، فیلم‌سازان می‌توانند بدون دریافت مجوزهای لازم، کم سروصدا و دور از سانسور و محدودیت‌ها، اقدام به ساخت و تولید فیلم کنند. آمار نشان می‌دهد که تعداد فیلم‌های زیرزمینی ساخته شده در ایران رو به افزایش است و نکته قابل ذکر این است که تا امروز تنها بخشی از سرشناس‌ترین این فیلم‌ها از طریق رسانه‌ها برای عموم شناخته شده‌اند و به‌نظر تعداد بسیار بالاتری از فیلم‌های زیرزمینی که بدون مجوز ساخته شده‌اند در انبار فیلم‌سازان وجود دارد. به نظر می‌رسد، حالا سینمای رسمی با یک خطر جدی برای از دست دادن بخشی از مخاطبان و بازار مواجه است. واقعیت این است که تهیه‌کنندگان و کارگردانان مطرح سینمای ایران، همواره از فشار روزافزون و دشواری‌های کسب مجوز و سپس اکران فیلم‌هایشان عصبانی و ناراضی بوده‌اند و اکنون تعداد زیادی از بهترین فیلم‌های سینمای ایران، با وجود گذشت سال‌ها و دهه‌ها از ساخت‌شان، هنوز ممنوع هستند. عباس کیارستمی برای فرار از تله سانسور و محدودیت با وجود زندگی در ایران اما دورپیش را به خارج از ایران برد و برخی از فیلم‌ها آخرش را بیرون از وطنش ساخت. اما این امکان برای تمام کارگردانان ایرانی به‌خصوص کارگردانان جوان وجود ندارد و به همین دلیل تولیدات به‌جای روی زمین به زیرزمین منتقل شدند تا دور از چشم سانسورگران و آزادانه ساخته شوند. البته که بخش مهمی از این فیلم‌ها، تنها به‌واسطه نمایش تصویری واقعی از جامعه امروز ایران، به این شکل و بدون دریافت مجوز ساخته شدند. با این‌وجود، به‌نظر می‌رسد سینمای ایران در مقابل یک مسیر تازه و یا به بیان بهتر، یک شرایط جدید قرار گرفته است؛ حالا در کنار فیلم‌هایی که مجوزهای لازم را برای اکران دارند و سینمای رسمی را تشکیل می‌دهند، یک سینمای دیگر هم در زیرزمین هست؛ سینمایی که امروز برخلاف سال‌ها و دهه‌های قبل که به تولید انگشت‌شمار فیلم دست می‌زد، اکنون با سیدی پر و پیمان از فیلم‌ها، در گونه‌های متنوع روبه‌روست. فیلم‌هایی که توانستند به‌واسطه همین عبور از سانسور و محدودیت‌های جدی، بسیاری از بازیگران و چهره‌های مطرح سینمای ایران را نیز به حضور در این آثار ترغیب کنند. شاید این فیلم‌ها دست‌کم فعلاً در ایران اجازه نمایش رسمی پیدا نکنند اما جشنواره‌های بین‌المللی نشان داده‌اند که علاقه زیادی به چنین فیلم‌هایی دارند؛ نه به‌خاطر کیفیت و سطح فنی این فیلم‌ها، بلکه احتمالاً برای اینکه تصویری متفاوت و شاید به‌زعم آنها واقعی‌تر از ایران را نشان می‌دهد.

خاطر‌ه‌گویی بود اینجا؟ لاجوردی در مجموع، بین مقاله اول و آخر که برای مخاطب عادی به‌آسانی قابل درک است، ۱۰ مقاله پیچیده یا کمی‌پیچیده در مورد موضوعات روز یا دیروز فلسفه مکتوب کرده که حتی دو مقاله هم در مورد یک موضوع یا مرتبط به هم نیست و فهم چند مقاله علاوه بر داشتن اطلاعات قابل توجه فلسفی، به دانش ریاضی هم نیاز دارد. اگر این فرض را بپذیریم که نویسنده می‌خواهد نشان دهد مسائل جدی فلسفه یا مساهمت‌های او در برخی از این مسائل چیست و از یک طرف سخن‌سرایی و به حاشیه رفتن کدام است و تفاوت این‌ها را به خواننده نشان دهد؛ آیا واقعاً نیاز بود این‌گونه دو مفهوم متضاد را کنار هم بگذاریم تا به چنین هدفی برسیم؟ سوال مهم‌تر آیا اگر کسی غیر از کاوه لاجوردی (که امروز اسم و رسمی دارد)، چنین مجموعه‌ای از مقالات را کنار هم می‌گذاشت، ناشری آن را چاپ می‌کرد؟ بگذریم.

از قضا سرکنگبین صفرا فروذ

شاید اولین نکته‌ای که بعد از خواندن چند صفحه از کتاب به چشم خواننده می‌آید، وسواس نویسنده روی

دور می‌زنند، به‌طور پنهانی و بدون مجوز ساخته نمی‌شوند. برخی از فیلم‌سازان در دهه‌های اخیر دست به روش‌های غیرمعمول و گاه فریبنده‌ای می‌زنند تا بتوانند فیلم‌هایشان را بامجوز و البته بدون رعایت خطوط قرمز بسازند. برخی از فیلم‌سازان، فیلم‌نامه ابتدایی را براساس قوانین و آئین‌نامه‌های مدنظر نهادهای صدور مجوز می‌نویسند اما در فیلمی که می‌سازند در نهایت محدودیت‌ها را دور زده و خب نتیجه هم مشخص است؛ این فیلم‌ها مجوز اکران داخلی نمی‌گیرند اما اغلب با بازیگران و عوامل حرفه‌ای ساخته شده و سپس برای نمایش به جشنواره‌های بین‌المللی می‌روند. از این نمونه‌ها می‌توان به فیلم «آشیل» ساخته فرهاد دل‌آرام اشاره کرد.

سینمای زیرزمینی علیه سینمای رسمی

در دهه‌های گذشته به‌خصوص دهه‌های شصت و هفتاد، فیلم‌سازان برای ساخت فیلم‌هایشان به نگاتیو نیاز داشتند و باید آن را از دولت می‌گرفتند. خب مشخص است که دولت هم نگاتیو را به فیلمی می‌دهد که قوانین و محدودیت‌ها و شرایطش در آن کامل اعمال شده باشد. اما بعد از ورود دوربین‌ها و امکانات دیجیتال به سینمای ایران، بسیاری از فیلم‌سازان که در لایبرنت سانسور و محدودیت‌ها و قوانین سرگردان بودند، روش دیگری را برای ساخت فیلم‌هایشان در نظر بگیرند. حالا و در سال ۱۴۰۵ و

که شاید برای خواننده کتاب‌خوان و علاقه‌مند فلسفه تاحدی آشنا باشد، اما در برخی مقاله‌ها مانند مقاله هفت یعنی «شرطی‌های خلاف واقع و قوانین طبیعت»، مقاله هشتم «ضرورت فیزیکی» یا در مقاله نهم به نام «تورینگ بیست و چهارساله» و در مقاله بعدی تحت عنوان «کلیات اثبات قضیهٔ اول ناتمامیت گودل» به موضوعات پیچیده‌ای می‌پردازد که شاید حتی با دانستن مقدمات هم به‌خوبی قابل فهم نباشد و حتماً باید زانوی شاگردی در برابر استادی زد تا آنها را درک کرد؛ چنان‌که نسخهٔ تصویری سخنرانی او در مورد تجربه‌گرایی منطقی که حضور در یکی از کلاس‌های سروس شش‌هانی، استاد دانشگاه صنعتی شریف است، (که در فضای مجازی موجود است) به فهم فصلی با همین عنوان در کتاب کمک می‌کند. لاجوردی بعد از ۱۱ مقاله و سفری به دنیای موضوعات پیچیده یا متداول فلسفه، خواننده را در آخرین مقاله با ماجرای داستان‌گونه از آشنایی و مرادوات بیش از دو دهه‌ای خود با میرشمس‌الدین ادیب سلطانی (۱۳۱۰ – ۱۴۰۲) در قالب خاطره‌ای کوتاه آشنا می‌کند. مقاله‌ای که هر چند دلنشین و خوش‌خوان است، در پایان خواننده را وامی‌دارد از خود پرسد چه جای این

اسکار شد و در جشنواره کن سال ۲۰۱۱ به نمایش درآمد. «برده» در سال ۲۰۱۲ در بخش مسابقه جشنواره برلین حضور داشت و خرس نقره‌ای بهترین فیلم‌نامه را هم گرفت.

فیلم‌های بدون مجوز

محمد رسول‌اف نیز یکی از کارگردانانی است که برخی از مهم‌ترین فیلم‌هایش را در ایران و بدون مجوز ساخته است. آخرین ساخته او «دانه انجیر معابد» را بدون دریافت هیچ مجوز قانونی و با حضور بازیگران زن ایرانی و بدون حجاب ساخت. فیلم در جشنواره کن ۲۰۲۴ به نمایش درآمد و جایزه ویژه هیأت داوران را هم به‌دست آورد. «من، مریم، پچمه» و «۲۶ نفر دیگر» ساخته فرشاد هاشمی، «کیک محبوب من» به نویسندگی و کارگردانی مریم مقدم و بهتاش صناعی‌ها، «منطقه بحرانی» ساخته علی احمدزاده، «آیه‌های زمینی» ساخته علیرضا خاتمی و علی عسگری، «تابستان امید» ساخته صدف فروغی، «تورهای خالی» ساخته بهروز کریمی‌زاده، «کافه» ساخته نوید میهن‌دوست، «بی‌پایان» ساخته نادر ساعی‌ور، «ماده تاریک» ساخته کریم لک‌زاده و «شاهد» نادر ساعی‌ور، تنها تعدادی از فیلم‌هایی هستند که طی سال‌های اخیر به‌شکل زیرزمینی و بدون دریافت مجوزهای لازم دولتی ساخته شدند. البته تمام فیلم‌هایی که خطوط قرمز و محدودیت‌های سانسوری سینمای ایران را



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

پوشش جدید فساد

آیا بنگاه‌ها مسئولیت اجتماعی دارند؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

ایسن روزها که فصل برگزاری مجامع است، انتشار جزئیات هزینه‌های موسوم به «مسئولیت اجتماعی» شرکت‌های بزرگ، به‌ویژه بنگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی، حساسیت افکار عمومی را برانگیخته است. وقتی مردم در صورت‌های مالی شرکت‌ها با ارقام قابل‌توجهی برای فعالیت‌های غیراقتصادی مواجه می‌شوند این پرسش را مطرح می‌کنند که می‌پرستند، مدیر یک شرکت با چه مجوزی منابع بنگاه را صرف اهدافی می‌کند که ارتباط مستقیمی با فعالیت آن ندارد؟ آیا اساساً بنگاه وظیفه دارد، مشکلات جامعه را حل کند؟ این پرسش تازه نیست. بیش از نیم‌قرن پیش، میلتن فریدمن، اقتصاددان برجسته مکتب شکاگو، در مقاله مشهور خود که ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۰ در مجله نیویورک‌تایمز منتشر شد، پاسخی جنجالی به آن داد: «مسئولیت اجتماعی بنگاه، افزایش سود آن است». استدلال فریدمن در نگاه نخست بسیار تند به‌نظر می‌رسد اما منظور او این نبود که شرکت‌ها مجازند، محیط‌زیست را تخریب کنند، مشتری را فریب دهند یا حقوق کارکنان را نادیده بگیرند. اتفاقاً او قید مهمی داشت: بنگاه باید در چارچوب «قواعد بازی» فعالیت کند. یعنی قانون را رعایت کند و وارد فریب و تقلب نشود. مسئله فریدمن جای دیگری بود: مدیر شرکت با پول چه کسی کار خیر می‌کند؟ اگر مالک یک شرکت بخواهد، بخشی از درآمد شخصی خود را صرف مدرسه‌سازی، مبارزه با فقر یا حمایت از هنر کند کاملاً آزاد است. اما مدیر یک شرکت، مالک تمام منابع آن نیست. او نماینده سهامداران است. اگر مدیر تصمیم بگیرد، بخشی از سود شرکت را برای هدفی اجتماعی خرج کند، در حقیقت دارد درباره پول دیگران تصمیم می‌گیرد. فریدمن این رفتار را نوعی مالیات‌ستانی خصوصی می‌دانست. مدیر هم «مالیات» می‌گیرد و هم خودش تصمیم می‌گیرد این مالیات کجا هزینه شود. نقشی که در یک نظام دموکراتیک باید بر عهده دولت و نهادهای منتخب باشد. از همین زاویه بود که فریدمن به مدیرانی که از «وجدان اجتماعی شرکت» سخن می‌گفتند، حمله کرد و استدلال کرد که آنها شاید ناخواسته، منطق اقتصاد آزاد را تضعیف می‌کنند. اما جهان شرکت‌ها از سال ۱۹۷۰ تاکنون تغییر ماه گرفته است. امروز شرکت‌های بزرگ می‌توانند بر زندگی میلیون‌ها نفر اثر بگذارند. فعالیت یک شرکت ممکن است آلودگی ایجاد کند، نامحیط طبیعی را مصرف کند، اطلاعات خصوصی میلیون‌ها نفر را در اختیار بگیرد، ساختار یک شهر را تغییر دهد یا بر سلامت و امنیت مصرف‌کنندگان اثر بگذارد. همین واقعیت زمینه گسترش نظریه‌ای متفاوت را فراهم کرده است: شرکت فقط در برابر سهامدار مسئول نیست. ذی‌نفعان دیگری نیز دارد. از کارکنان و مشتریان گرفته تا تأمین‌کنندگان، جامعه محلی و محیط‌زیست. اینجااست که اقتصاددانانی مانند جوزف استیگلیتز به میراث فریدمن انتقاد می‌کنند. استیگلیتز معتقد است بسیاری از بازارها با شکست بازار، اطلاعات نامتقارن، قدرت انحصاری و آثار خارجی روبه‌رو هستند. اگر شرکتی با فعالیت خود هزینه‌ای بر جامعه تحمیل کند که در حساب‌های مالی‌اش منعکس نمی‌شود، سود بالاتر آن الزاماً به‌معنای خلق ارزش بیشتر برای جامعه نیست. فرض کنید کارخانه‌ای با کاشش هزینه تصفیه‌ی‌سپاب، سود خود را افزایش دهد اما رودخانه‌ای را آلوده کند. از منظر حسابداری شرکت موفق‌تر شده اما بخشی از هزینه تولید را به جامعه منتقل کرده است. با شرکتی ممکن است با طراحی محصولی اعتبارآآور، استفاده گسترده از اطلاعات کاربران یا بهره‌گیری از قدرت انحصاری سود بسیار بالایی ایجاد کند. در چنین مواردی «افزایش سود» به‌تنهایی معیار کافی برای سنجش عملکرد اجتماعی بنگاه نیست. بنابراین انتقاد استیگلیتز و دیگر منتقدان فریدمن یک نقطه قوت جدی دارد. اینکه قیمت‌های بازار همیشه همه هزینه‌های اجتماعی را منعکس نمی‌کنند. اما آیا از این گزاره می‌توان، نتیجه گرفت که مدیران شرکت‌ها باید آزاد باشند هر مقدار که می‌خواهند تحت‌عنوان «مسئولیت اجتماعی» هزینه کنند؟ الزاماً نه. اتفاقاً تجربه شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی ایران اهمیت هشدار فریدمن را بیشتر می‌کند. وقتی مالکیت مبهم است، نظارت سهامدار ضعیف است و مدیر با منابع شخصی خود تصمیم نمی‌گیرد، عنوان جذاب «مسئولیت اجتماعی» می‌تواند به پوششی برای هزینه‌های غیرشفاف تبدیل شود. ممکن است، منابع شرکت به پروژه‌هایی اختصاص پیدا کند که بیشتر حاصل فشار سیاسی، روابط محلی، تبلیغات مدیران یا خواسته نهادهای مختلف است تا مسئولیت واقعی شرکت در برابر جامعه. در اینجا باید میان دو مفهوم تفاوت گذاشت. اگر یک شرکت معدنی منابع آب یک منطقه را مصرف کرده یا فعالیتش به محیط زیست و زندگی جامعه محلی آسیب زده است، جبران این خسارت را نمی‌توان «کار خیر» دانست. این بخشی از هزینه واقعی فعالیت اقتصادی شرکت است. همچنین رعایت حقوق کارکنان، ایمنی محصول، کاهش آلودگی و صداقت با مصرف‌کننده لطف بنگاه به جامعه نیست. بخشی از مسئولیت مستقیم آن است. اما ساخت ورزشگاه در شهری دیگر کمک به یک مراسم، حمایت از نهادی نامرتبط یا پرداخت هزینه‌ای که دولت یا سهامداران شرکت تصویب نکرده‌اند، موضوع متفاوتی است. صرف اینکه چنین پرداخت‌هایی برچسب «مسئولیت اجتماعی» داشته باشند، آنها را از نظر اقتصادی موجه نمی‌کند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

بندر خالی، سفره کوچک

کاهش واردات کالا، چه اثری روی سفره‌های فردای مردم می‌گذارد؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

در روزهای گذشته تصاویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که گفته می‌شود، مربوط به بندر شهید رجایی است. تصاویری از محوطه‌هایی کم‌تحرك و ظاهراً خالی‌تر از معمول که برای فعالان تجارت خارجی نگران‌کننده به نظر می‌رسد. هنوز نمی‌توان صرفاً براساس چند تصویر درباره میزان فعالیت بندر یا حجم واردات کشور قضاوت کرد و برای سنجش دقیق وضعیت باید منتظر آمار رسمی ماند اما واکنش برخی تِجار به این تصاویر قابل تأمل است. یکی از آنها نوشته است که نزدیک به ۲۰ سال از عمرش را در بندر کشور گذرانده و چنین صحنه‌هایی را نگران‌کننده می‌داند. و دیگری نوشته، بندری که قرار بود، روزی با گردش سالانه میلیون‌ها کانتینر، رقیبی برای جبل‌علی باشد این روزها خالی‌تر از همیشه است و پرنده هم در آن پر نمی‌زند.

اقتصاددانان می‌گویند، بندر نخستین حلقه قابل مشاهده زنجیره‌ای طولانی است که در انتهای آن به کارخانه، فروشگاه و سرانجام به سفره خانوار می‌رسیم. اگر کاهش فعالیت بندر واقعاً ناشی از افت ورود کالا باشد، پرسش مهم این است که اثر آن چه زمانی و چگونه در زندگی مردم آشکار خواهد شد؟

اقتصاد ایران برخلاف تصویری که گاهی مطرح می‌شود، اقتصادی نیست که بتواند برای مدتی طولانی بدون واردات به فعالیت عادی ادامه دهد. بخش مهمی از واردات را مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، قطعات، ماشین‌آلات، نهادهای تولید و کالاهای اساسی تشکیل می‌دهند. بنابراین وقتی جریان واردات مختل می‌شود، اثر آن الزاماً همان روز در فروشگاه دیده نمی‌شود. ممکن است قفسه‌ها همچنان پر باشند، کارخانه‌ها همچنان تولید کنند و بازار در ظاهر آرام بماند. مشکل با یک وقفه زمانی ظاهر می‌شود. در واقع میان بندر خالی و قفسه خالی، فاصله‌ای وجود دارد که موجودی انبارها آن را پر می‌کند. در نخستین مرحله اقتصاد از ذخایر قبلی استفاده می‌کند. واردکننده کالایی در انبار دارد عمده‌فروش موجودی قبلی را عرضه می‌کند، کارخانه مواد اولیه چند هفته یا چند ماه آینده را ذخیره کرده و دولت نیز برای برخی کالاهای اساسی ذخایر راهبردی در اختیار دارد. به همین دلیل کاهش واردات ممکن است در کوتاه‌مدت تقریباً نامرئی باشد. اما هر روزی که ورود کالا کمتر از مصرف و نیاز تولید باشد، بخشی از این سپر دفاعی از بین می‌رود. پس از آن اولین نشانه معمولاً نه کمبود فیزیکی بلکه افزایش قیمت است. فعالان بازار پیش از آنکه کالا واقعاً کمیاب شود، متوجه دشوار شدن جایگزینی

موجودی خود می‌شوند. تاجری که می‌داند، محموله بعدی دیرتر می‌رسد یا هزینه حمل و بیمه آن افزایش یافته است، حاضر نیست موجودی فعلی را با قیمت گذشته بفروشد. عمده‌فروش نیز برای خرید بعدی پول بیشتری کنار می‌گذارد و خرده‌فروش همین رفتار را تکرار می‌کند. به این ترتیب هزینه جایگزینی می‌تواند، قیمت امروز را بالا ببرد حتی اگر کالایی که روی قفسه قرار دارد، ماه‌ها قبل و با هزینه پایین‌تر وارد شده باشد. این همان نقطه‌ای است که اختلال تجارت خارجی به تورم تبدیل می‌شود. مشکل مهم‌تر زمانی آغاز می‌شود که کاهش واردات به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای برسد. بسیاری از کالاهایی که مردم ایرانی مصرف می‌کنند، ممکن است برچسب «ساخت ایران» داشته باشند اما تولید آنها کاملاً داخلی نیست. خوراک دام و طیور، برخی بذرها، سموم و کودها، مواد اولیه دارویی، قطعات ماشین‌آلات، مواد شیمیایی، تجهیزات الکترونیکی، قطعات خودرو، کاغذ، مواد بسته‌بندی و صدها قلم کالای واسطه‌ای دیگر بخشی از شبکه تولید کشور هستند. اختلال در ورود هر یک از این حلقه‌ها می‌تواند، تولید چندین محصول نهایی را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال کاهش واردات نهاده‌های دامی الزاماً فردا صبح به کمبود مرغ یا تخم‌مرغ منجر نمی‌شود. ابتدا موجودی انبار مصرف می‌شود. سپس قیمت خوراک بالا می‌رود، هزینه تولید افزایش پیدا می‌کند و تولیدکننده ممکن است، جوجه‌ریزی یا توسعه تولید را کاهش دهد. چند هفته یا چند ماه بعد، اثر آن در قیمت مرغ، تخم‌مرغ، لبنیات و گوشت دیده می‌شود. به همین ترتیب اختلال در ورود مواد اولیه دارویی ممکن است امروز قابل مشاهده نباشد اما چند ماه بعد در تولید و قیمت دارو خود را نشان دهد. به همین دلیل، تجارت امروز تا حدی تعیین‌کننده سفره فرداست. البته موضوع فقط حجم واردات نیست و هزینه واردات نیز اهمیت دارد. حتی اگر کالا از مسیرهای جایگزین وارد کشور شود، جنگ و نااطمینانی می‌تواند هزینه حمل‌ونقل، بیمه، انتقال پول و زمان تحویل را افزایش دهد. تجربه ماه‌های گذشته در خلیج فارس این موضوع را به‌خوبی نشان داده است. پس از اختلال در تردد تِگه هرمز، بزرگ‌ترین خطوط کشتیرانی جهان، بخشی از مسیرهای خود را تغییر دادند یا فعالیت در برخی مسیرهای خلیج فارس را محدود کردند. گزارش «خوشه لجستیک» در ماه مه نیز نشان می‌داد که اگرچه بنادر امارات از جمله جبل‌علی، فجیره و خورفکان عملیاتی گزارش می‌شدند، تغییر مسیر محموله‌ها باعث افزایش فشار، زمان انتظار برای پهلوگیری و محدودیت‌های عملیاتی شده بود. بنابراین مقایسه وضعیت شهید رجایی با جبل‌علی نیز باید با احتیاط انجام شود. این تصور که بسته یا نیمه‌بسته شدن هرمز الزاماً جبل‌علی را کاملاً تعطیل کرده، دقیق نیست. فعالیت جبل‌علی در آغاز بحران برای

مدتی کوتاه متوقف شد اما DP World اعلام کرد، فعالیت چهار ترمینال بندر از عصر اول مارس از سر گرفته شده است. با این حال، «فعال بودن بندر» با «فعالیت عادی شبکه کشتیرانی» یکسان نیست. محدودیت عبور کشتی‌ها از هرمز باعث شد، بخشی از بارها به بنادر خارج از تنگه منتقل شوند و از مسیرهای زمینی یا شبکه‌های جایگزین به مقصد برسند. این تفاوت برای اقتصاد ایران بسیار مهم است. کشوری مانند امارات از شبکه لجستیکی متنوع‌تر، زیرساخت حمل‌ونقل پیشرفته‌تر و امکان بیشتری برای تغییر مسیر تجارت برخوردار است. ایران نیز بنادر دیگری اما انتقال سریع حجم بزرگی از تجارت از یک مسیر به مسیر دیگر بدون هزینه نیست. مسیر جایگزین ممکن است طولانی‌تر، گران‌تر یا دارای ظرفیت محدودتری باشد. در نتیجه حتی اگر «کالا وارد نشود» ممکن است قیمت تمام‌شده آن افزایش یابد. مسئله بعدی ارز است. کاهش واردات در شرایط عادی از یک جهت می‌تواند، تقاضای ارز را کاهش دهد اما اگر کاهش واردات ناشی از محدودیت عرضه ارز، تحریم، دشواری نقل‌وانتقال پول، جنگ یا اختلال حمل‌ونقل باشد، پیام متفاوتی به بازار می‌دهد. فعال اقتصادی چنین وضعیتی را نشانه افزایش ریسک می‌بیند. افزایش ریسک نیز می‌تواند، تقاضا برای ارز و دارایی‌های امن را بالا ببرد. بنابراین ممکن است از یک طرف واردات کمتر شود و از طرف دیگر تولید داخلی را هم‌زمان افزایش می‌دهد. از اینجا حلقه دوم فشار بر خانوار شکل می‌گیرد. کارخانه‌ای که مواد اولیه‌اش گران یا کمیاب شده، سه انتخاب دارد: افزایش قیمت، کاهش تولید یا کاهش حاشیه سود. گزینه سوم فقط تا مدتی امکان‌پذیر است. پس از آن یا قیمت محصول بالا می‌رود یا تولید کاهش می‌یابد. کاهش تولید نیز می‌تواند به کاهش اضافه‌کاری، تعویق استخدام، تعدیل نیرو یا کاهش درآمد بنگاه و کارکنان منجر شود. در نتیجه خانوار ممکن است هم‌زمان با دو شوک مواجه شود: کالاها گران‌تر می‌شوند و درآمد واقعی نیز کاهش می‌یابد. این دقیقاً همان مکانیسمی است که «اختلال بندر» را به «کوچک شدن سفره» تبدیل می‌کند. خطر دیگر شکل‌گیری انتظارات کمبود است. اگر مصرف‌کنندگان تصور کنند، کالایی در آینده کمیاب خواهد شد ممکن است خرید خود را جلو بیندازند. خانواده‌ای که همیشه یک بسته از کالایی می‌خرد دو یا سه بسته می‌خرد؛ فروشنده موجودی بیشتری نگه می‌دارد و عمده‌فروش نیز عرضه را آهسته‌تر می‌کند. در چنین شرایطی حتی پیش از آنکه کمبود واقعی بزرگی شکل بگیرد، رفتار مردم و فعالان بازار می‌تواند کمبود ایجاد کند. اقتصاددانان این پدیده را نوعی پیشگویی خودمحقق‌شونده می‌دانند: ترس از کمبود، تقاضای امروز را افزایش می‌دهد و همین افزایش تقاضا احتمال کمبود فردا را بیشتر می‌کند. تصاویر منتسب به بندر شهید رجایی، حتی اگر نتوانند به‌تنهایی سند کاهش شدید واردات باشند، یک پرسش مهم را پیش روی اقتصاد ایران قرار می‌دهند: اگر جریان ورود کالا برای چند ماه کمتر از نیاز اقتصاد باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟

قفسه فروشگاه آخرین جایی است که بحران عرضه دیده می‌شود. اولین نشانه را باید بسیار دورتر جست‌وجو کرد. جایی کنار دریا میان جرتقیل‌ها، کشتی‌ها و کانتینرهایی که اگر امروز نیابند، جای خالی‌شان ممکن است چند ماه بعد روی سفره مردم دیده شود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند
برابر رای هیات مندرج در پرونده موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد رسمی حوزه ثبتی ناحیه دو رشت،تصرفات مالکانه بلامعارض آقای علی پارسائی فرزند محسن به میزان سه دانگ شماع از شش‌دانگ دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنا احداثی به مساحت ۲۶۷۵/۷۷ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۱۵۰۷ مغروز و مجزی از پلاک ۳۴ از اصلی ۴۵ واقع در قریه احمد گوراب بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای رضا حقیقی پور محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود و در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول گواهی اقامه دعوی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ ۲۳۸۸۹/م الف شناسه آگهی: ۲۲۴۸۳۱۶ علی غلامعلی زاده رودکلی... رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ رشت

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند
برابر رای هیات مندرج در پرونده موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد رسمی حوزه ثبتی ناحیه دو رشت،تصرفات مالکانه بلامعارض آقای سید حسین اولیائی صف سری فرزند میر ابوطالب به میزان شش دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنا احداثی به مساحت ۴۵۸/۵۹ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۱۵۰۹ مغروز و مجزی از پلاک ۳۴ از اصلی ۴۵ واقع در قریه احمد گوراب بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای سید حبیب اولیائی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود و در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول گواهی اقامه دعوی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ ۲۳۸۸۸/م الف شناسه آگهی: ۲۲۴۸۳۰۷ علی غلامعلی زاده رودکلی... رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ رشت

حوزه ثبت ملک سنگر
آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۰۴۵۹۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر ، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم زهرا نوری کشلی فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۱۵ صادره از رشت در شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۶۰۰/۱۰ متر مربع پلاک فرعی ۷۱۲ از ۸ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۲۱ فرعی از ۸ اصلی بخش ۰۴ گیلان واقع در گیل پرده سر خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی مربوطه را به این اداره ارائه نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف شناسه ۲۲۴۵۹۵۶: تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۷۰/۵/۰۵۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ یدالله قاسم زاده رئیس ثبت اسناد و املاک سنگر

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند
برابر رای هیات مندرج در پرونده موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد رسمی حوزه ثبتی ناحیه دو رشت،تصرفات مالکانه بلامعارض آقای رضا پارسائی فرزند محسن به میزان سه دانگ شماع از شش‌دانگ دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنا احداثی به مساحت ۲۶۷۵/۷۷ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۱۵۰۷ مغروز و مجزی از پلاک ۳۴ از اصلی ۴۵ واقع در قریه احمد گوراب بخش ۴ رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای رضا حقیقی پور محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود و در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول گواهی اقامه دعوی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ ۲۳۹۹۰/م الف شناسه آگهی ۲۲۴۸۳۲۲ علی غلامعلی زاده رود کلی... رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ رشت

ادامه از صفحه اول

بحران بی‌اعتمادی

فرقانی در همین زمینه گفت، نگاه غالب به روزنامه‌نگاری در ایران یا تبلیغاتی است یا امنیتی و تا زمانی که این نگاه تغییر نکند، نمی‌توان انتظار داشت رسانه بتواند، نقش واقعی خود را در جامعه ایفا کند. رسانه‌ای که فقط خبر دیروز را تکرار کند، مخاطب را از دست می‌دهد یکی از محورهای مهم نشست، تغییر نقش رسانه در عصر شبکه‌های اجتماعی بود. فرقانی با اشاره به اینکه شبکه‌های اجتماعی امروز به بازیگر اصلی حوزه خبر تبدیل شده‌اند، گفت این شبکه‌ها، اطلاعات را با سرعت بالا اما اغلب به شکل سطحی و گذرا منتقل می‌کنند. به اعتقاد او، مخاطب ممکن است از طریق شبکه‌های اجتماعی با «پاره‌های اطلاعات» مواجه شود اما این اطلاعات الزاماً به شناخت و آگاهی منجر نمی‌شوند. از این‌ منظر مطبوعات اگر بخواهند همچنان نقش داشته باشند نباید صرفاً به بازنشر خبرهایی بپردازند که مخاطب چند ساعت پیش آنها را در فضای مجازی دیده است. او تأکید کرد وظیفه امروز مطبوعات، تولید گزارش‌ها و مصاحبه‌های عمیق، راستی‌آزمایی اخبار منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی و ارائه تصویری است که مخاطب را از سطح خبر به عمق مسئله ببرد.

وقتی روزنامه دیگر چیزی برای گفتن ندارد

فریدون صدیقی، استاد روزنامه‌نگاری، در ادامه این نشست بخش قابل‌توجهی از صحبت‌های خود را به وضعیت امروز مطبوعات، کاهش مخاطب و تغییر جایگاه روزنامه اختصاص داد. او با اشاره به تجربه روزنامه‌نگاران قدیمی گفت، زمانی ده‌کهای روزنامه‌فروشی محل رفت‌وآمد مردم بود و خوانندگان برای خرید روزنامه و مجله صف می‌کشیدند. اما امروز وضعیت دکه‌ها به گفته او به یکی از نشانه‌های آشکار بحران مطبوعات تبدیل شده است. صدیقی با اشاره به خاطرات خود از سال‌های فعالیت مطبوعاتی از روزگاری گفت که جشنواره‌های مطبوعات با حضور گسترده روزنامه‌نگاران، ناشران و مخاطبان برگزار می‌شد و نمایشگاه مطبوعات آنقدر شلوغ بود که فرصت گردش میان غرفه‌ها به‌سادگی فراهم نمی‌شد. به اعتقاد او فاصله امروز با آن دوره تنها نتیجه ورود اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نیست؛ بلکه باید پرسید خود رسانه‌ها در این سال‌ها چه کرده‌اند که مخاطب دیگر آنها را مرجع نمی‌داند.

ساختر رسانه هم بیمار است

صدیقی تأکید کرد که بیش از ۹۰ درصد رسانه‌ها به جای آنکه کنشگر باشند، واکنشی عمل می‌کنند؛ یعنی منتظر می‌مانند یک مقام، خبرگزاری یا شبکه‌ای خبری را منتشر کند سپس همان موضوع را بازتاب دهند. به گفته او چنین رسانه‌ای به تدریج قدرت تولید روایت مستقل را از دست می‌دهد و در نتیجه مخاطب نیز دلیلی برای مراجعه مستقیم به آن نمی‌بیند. او در بخش دیگری از سخنانش به وضعیت برخی نشریات اشاره کرد و از پدیده‌هایی گفت که در آنها امتیاز چندین روزنامه در اختیار یک مجموعه یا فرد قرار می‌گیرد، نشریات با تیراژ بسیار محدود منتشر می‌شوند و بخش عمده محتوای آنها از منابع دیگر برداشته می‌شود. صدیقی با انتقاد از چنین وضعیتی گفت، وقتی روزنامه‌ای صرفاً برای حفظ امتیاز، دریافت یارانه، کاغذ یا سایر حمایت‌ها منتشر شود، طبیعی است که نه مخاطب برای آن موضوعیت داشته باشد و نه خبرنگار جایگاه واقعی خود را پیدا کند.

خبرنگار؛ ارزان‌ترین حلقه زنجیره رسانه

یکی دیگر از محورهای انتقادی نشست، وضعیت معیشتی و امنیت شغلی خبرنگاران بود. صدیقی معتقد بود، ساختار اقتصادی رسانه به‌گونه‌ای پیش رفته که خبرنگار در بسیاری از موارد به ضعیف‌ترین حلقه زنجیره تبدیل شده است. حقوق پایین، نبود امنیت شغلی، مشکلات بیمه و قرارداد و نبود امکان رشد حرفه‌ای باعث شده بسیاری از روزنامه‌نگاران یا از این حرفه خارج شوند یا در شرایطی نامطمئن به کار ادامه دهند. او همچنین به وضعیت زنان در تحریریه‌ها اشاره کرد و گفت در بسیاری از موارد، مدیران رسانه تصور می‌کنند، می‌توانند از نیروی کار زنان با هزینه کمتر استفاده کنند. او تأکید کرد این مسئله به هیچ‌وجه به‌معنای کم‌ارزش دانستن توانایی یا شجاعت زنان روزنامه‌نگار نیست و برعکس، بسیاری از خبرنگاران زن با وجود فشارهای کاری و اقتصادی، مسئولیت‌های سنگینی را در تحریریه‌ها برعهده دارند. به گفته صدیقی مسئله اصلی، نوع نگاه ساختاری مدیران و صاحبان رسانه به نیروی انسانی است؛ نگاهی که خبرنگار را نه به‌عنوان سرمایه اصلی رسانه بلکه به عنوان نیرویی ارزان و قابل جایگزینی می‌بیند.

روزنامه‌نگار تخصص ندارد، مرجعیت هم شکل نمی‌گیرد

در ادامه نشست، یکی از محورهای مورد تأکید سخنرانان، مسئله تخصص در روزنامه‌نگاری بود. صدیقی با انتقاد از پراکندگی موضوعی در رسانه‌ها گفت، روزنامه‌نگاری که امروز درباره سیاست خارجی، فردا درباره شهرداری، پس‌فردا درباره فرهنگ و روز دیگر درباره ورزش می‌نویسد، نمی‌تواند در همه این حوزه‌ها به سطح تخصصی برسد. او تأکید کرد، روزنامه‌نگاری امروز به سمت تخصصی شدن حرکت کرده و رسانه برای بازسازی مرجعیت خود باید خبرنگار و تحلیلگر متخصص تربیت کند. به اعتقاد او خبرنگار بین‌الملل باید بین‌الملل را بشناسد، خبرنگار اقتصادی باید اقتصاد بداند و خبرنگار فرهنگی باید تاریخ هنر، سینما و حوزه تخصصی خود را بشناسد؛ در غیر این صورت، محصول رسانه در سطح اطلاعات عمومی باقی می‌ماند و مخاطب دلیلی برای انتخاب آن نسبت به صدها منبع دیگر نخواهد داشت.

رسانه باید به مخاطب قدرت پیش‌بینی بدهد

جلال خوش‌چهره، روزنامه‌نگار و تحلیلگر حوزه رسانه، بحث را از زاویه دیگری ادامه داد و بر ضرورت شکل‌گیری «رسانه مؤلف» تأکید کرد. او گفت رسانه تنها نباید به این پرسش پاسخ دهد که «چه کسی چه گفت» بلکه باید بتواند، چرایی و چگونگی رخدادها را برای مخاطب توضیح دهد. به گفته او بسیاری از رسانه‌های داخلی هنوز خبر را با نقل‌قول مقام‌ها آغاز می‌کنند: رئیس‌جمهور گفت، وزیر گفت، رئیس مجلس گفت و...؛ درحالی که ارزش واقعی روزنامه‌نگاری در جایی آشکار می‌شود که رسانه بتواند، تشخیص دهد «چه چیزی» در یک رخداد اهمیت دارد. خوش‌چهره تأکید کرد، رسانه پیشگو نیست اما باید قدرت پیش‌بینی به مخاطب بدهد؛ یعنی مخاطب پس از



خواندن یک گزارش یا تحلیل بتواند بفهمد، روند یک اتفاق به کدام سمت می‌رود و چه پیامدهایی ممکن است، داشته باشد.

چهار نوع کنش رسانه‌ای در برابر بحران

خوش‌چهره در ادامه از چهار نوع کنش رسانه‌ای در مواجهه با رویدادها سخن گفت: کنش عقلانی، کنش مبتنی بر ارزش‌ها، کنش غیرعقلانی و کنش عاطفی. به گفته او، رسانه می‌تواند حتی با داشتن گرایش ارزشی یا ایدئولوژیک همچنان عقلانی و حرفه‌ای رفتار کند و یک پدیده را از زوایای مختلف بررسی کند. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که رسانه بدون سنجش هزینه‌ها و پیامدها صرفاً به واکنش عاطفی یا هیجانی روی بیاورد. او با اشاره به تجربه رسانه‌ها در بحران‌ها گفت، روزنامه‌نگار باید بتواند میان منافع ملی، واقعیت موجود و ارزش‌های مورد نظر خود توازن ایجاد کند و به جای تحریک احساسات به مخاطب، امکان فهم مسئله بدهد.

«اگر نمی‌توانیم راست بگوییم، دست‌کم دروغ نگوییم»

یکی از صریح‌ترین بخش‌های این نشست به تجربه رسانه‌ها در ماجرای هواپیمای اوکراینی مربوط بود. صدیقی با اشاره به آن دوره گفت، برخی روزنامه‌نگاران از همان ابتدا می‌دانستند، روایت رسمی درباره سقوط هواپیمای با واقعیت همخوان نیست اما سیاست ابلاغی به رسانه‌ها اجازه نمی‌داد، واقعیت را بیان کنند. او روایت کرد که در جلسه شورای سردبیری تأکید کرده بود اگر رسانه امکان انتشار حقیقت را ندارد، دست‌کم نباید دروغ بگوید. به گفته او وقتی بعد از مدتی مشخص شد هواپیمای هدف قرار گرفته است، انتشار این واقعیت در رسانه‌های داخلی برای بخشی از مخاطبان به معنای اثبات این بود که رسانه پیش از آن به آنها دروغ گفته است. صدیقی این وضعیت را «تیر خلاص» به اعتماد مخاطب دانست و تأکید کرد، رسانه‌ای که اعتمادش را از دست بدهد، در بحران‌های بعدی دیگر نمی‌تواند، نقش مرجع را ایفا کند.

چرا در جنگ، مردم خبر را از جای دیگری می‌گیرند؟

خوش‌چهره در ادامه گفت: از بین رفتن مرجعیت رسانه‌ای در شرایط عادی شاید کمتر دیده شود اما در بحران‌هایی مانند جنگ،

بحران اقتصادی یا حوادث بزرگ اجتماعی، پیامدهای آن آشکارتر می‌شود. وقتی رسانه داخلی نتواند خبر اولیه را با سرعت، دقت و اعتمادپذیری منتشر کند، مخاطب به‌طور طبیعی به سراغ منابع دیگر می‌رود. به گفته خوش‌چهره، جامعه امروز دیگر جامعه‌ای نیست که در آن یک یا دو رسانه بتوانند، جریان اطلاعات را در اختیار داشته باشند. مخاطب هم‌زمان به رسانه‌های داخلی، شبکه‌های اجتماعی، ماهواره، خبرگزاری‌های خارجی و منابع مختلف اطلاعاتی دسترسی دارد. در چنین شرایطی رسانه نمی‌تواند با تکیه بر جایگاه رسمی خود از مخاطب، انتظار اعتماد داشته باشد؛ بلکه باید اعتماد را با کیفیت کار خود به دست آورد.

مرجعیت رسانه‌ای فقط با اصلاح حاکمیت باز نمی‌گردد

به گفته وی مسئولیت بحران تنها بر عهده حاکمیت نیست و ساختار داخلی رسانه‌ها نیز نیازمند اصلاح است. خوش‌چهره گفت اگر ساختار رسانه‌ای اصلاح نشود، حتی با فراهم شدن فضای بیشتر نمی‌توان انتظار داشت، مرجعیت به‌طور خودکار بازگردد. به گفته او، رسانه باید خبرنگار حرفه‌ای، متخصص و مؤلف تربیت کند؛ تحریریه باید قدرت سوزپایی و تشخیص ارزش خبری داشته باشد و مدیران رسانه نیز باید از نیروهای حرفه‌ای خود حمایت کنند. او تأکید کرد در شرایط بحرانی، نمی‌توان منتظر شرایط ایده‌آل ماند و گفت: «هنر این است که بتوانیم در شرایط بحرانی بنویسیم و بمانیم».

تشکیل صنفی؛ حلقه مفقوده روزنامه‌نگاری

یکی دیگر از راهکارهایی که در نشست مطرح شد، تشکیل یک تشکل صنفی مستقل و فراگیر برای روزنامه‌نگاران بود. سخنرانان معتقد بودند، خانه‌های مطبوعات و برخی ساختارهای موجود نمی‌توانند جای یک تشکل مستقل صنفی را بگیرند؛ چراکه روزنامه‌نگاران برای دفاع از حقوق حرفه‌ای، امنیت شغلی، استقلال رسانه‌ای و کیفیت روزنامه‌نگاری نیازمند نهادی هستند که بتواند، مستقل از دولت و صاحبان رسانه از منافع صنفی آنان دفاع کند. به اعتقاد آنان چنین تشکلی می‌تواند علاوه بر مسائل صنفی درباره کیفیت خبر، آموزش روزنامه‌نگاران، اخلاق حرفه‌ای، رابطه رسانه و مخاطب و حتی آینده اقتصادی مطبوعات نیز نقش ایفا کند.

یک روز آزادی برای خبرنگاران؟

در آستانه روز خبرنگار، بخشی از سخنان نشست نیز به این مناسبت اختصاص یافت؛ اما نه با محوریت تریک و مراسم بلکه با طرح پرسشی درباره معنای واقعی این روز. صدیقی پیشنهاد کرد اگر قرار است روز خبرنگار واقعاً روز خبرنگار باشد باید حداقل بخشی از محدودیت‌های حرفه‌ای در این روز کنار گذاشته شود؛ حتی اگر این آزادی تنها برای یک روز باشد. فرقانی در پاسخ به بحث بازگشت اعتماد تأکید کرد که نسبت به امکان ترمیم این اعتماد خوش‌بینی چندانی ندارد زیرا عوامل ایجادکننده بی‌اعتمادی همچنان وجود دارند. او گفت اعتماد در شرایط آزادی و استقلال حرفه‌ای شکل می‌گیرد و فاصله ایران با چنین شرایطی هم تاریخی و هم مقطعی است. به گفته او، روزنامه‌نگاران جوان و شجاع بسیاری در کشور وجود دارند اما این افراد به تنهایی نمی‌توانند ساختار را اصلاح کنند. به اعتقاد او صادق‌ترین خبرنگار، رئیس‌جمهور است که همه چیز را می‌گوید!

امید به بازگشت مرجعیت؛ از یک‌دهم تا یک روزنامه واقعی

با وجود تمام تقد‌ها، نشست با نگاه کاملاً ناامیدانه به آینده رسانه پایان نیافت. خوش‌چهره تأکید کرد هنوز ظرفیت‌هایی در مطبوعات وجود دارد و اگر رسانه‌ها بتوانند از وضعیت واکنشی فاصله بگیرند، به سمت روزنامه‌نگاری مؤلف حرکت کنند و به‌جای تکرار گفته‌های مسئولان، چرایی و چگونگی رخدادها را برای مردم توضیح دهند امکان بازسازی بخشی از مرجعیت وجود دارد. او تأکید کرد رسانه نباید تصور کند چون ساختار محدود است پس خودش نیز هیچ مسئولیتی ندارد. روزنامه‌نگار حرفه‌ای باید بتواند در همین شرایط دشوار تا جایی که امکان دارد، واقعیت را توصیف، تبیین و تحلیل کند و برای مخاطب ارزش افزوده ایجاد کند. در نهایت مسئله اعتماد رسانه و مخاطب نه با برگزاری مراسم روز خبرنگار و نه با چند پیام تحریک حل خواهد شد. اعتماد همان‌طور که فرقانی گفت به‌آرامی ساخته می‌شود و ممکن است با یک دروغ یا فریب از بین برود. بازگرداندن آن نیز نیازمند تغییراتی هم‌زمان در ساختار رسانه، سیاست‌های حاکمیتی، استقلال حرفه‌ای، وضعیت اقتصادی خبرنگاران، آموزش، تخصص و کیفیت محتوای رسانه‌هاست.

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

مقتضای حق الناس

تشدید مجازات نباید به تضعیف

حق مالکیت و حق الناس منجر شود

صالح نقره‌کار

حقوقدان

در روزهایی که قانون‌گذار در واکنش به شرایط جنگی بر تشدید مجازات برخی جرائم، ازجمله همسکاری و ارتباط با دشمن، تأکید کرده و در مواردی مصادره اموال را نیز در زمره ضمانت اجراها قرار داده است، بازخوانی تجربه تاریخی ایران درباره «مصادره» ضرورتی دوجندان می‌یابد. حافظه حقوقی ایرانیان نشان می‌دهد، مصادره اموال صرف‌نظر از انگیزه‌های سیاسی یا امنیتی همواره یکی از حساس‌ترین جلوه‌های اعمال قدرت عمومی بوده است؛ نهادی که اگر از مدار قانون، تناسب و دادرسی عادلانه خارج شود بیش از آنکه عدالت را تأمین کند امنیت حقوقی جامعه را مخدوش خواهد کرد.

انقلاب مشروطه تنها جنبشی برای محدود کردن قدرت سیاسی نبود؛ بلکه تلاشی برای پایان دادن به تعرض‌های خودسرانه به جان و مال مردم نیز محسوب می‌شد. یکی از آرمان‌های اصلی مشروطه، ایجاد امنیت حقوقی و تضمین مالکیت مشروع بود تا هیچ مقام یا نهادی نتواند خارج از چارچوب قانون، اموال اشخاص را سلب کند. این رویکرد یکی از پایه‌های مهم حکومت قانون در ایران را شکل داد.

در دوره پهلوی نیز با وجود شکل‌گیری نظام حقوقی جدید، برخوردهای امنیتی با مخالفان سیاسی نشان داد هرگاه حقوق و آزادی‌های بنیادین تحت‌الشعاع ملاحظات امنیتی قرار گیرد، مالکیت خصوصی نیز از آسیب مصون نخواهد ماند. پرونده مشهور «۵۳ نفر» و برخورد با جریان‌های سیاسی آن دوره ازجمله تجربه‌هایی است که نشان می‌دهد عدالت کیفری، بدون تضمین حقوق متهم و دادرسی منصفانه، می‌تواند به آسانی از مسیر عدالت فاصله گرفته و به ابزار اعمال قدرت تبدیل شود. پس از انقلاب اسلامی، اصل ۴۹ قانون اساسی با هدف بازگرداندن اموال نامشروع و مقابله با ثروت‌های حاصل از فساد، ربا، رشوه، اختلاس و نصب، ظرفیت مهمی برای تحقق عدالت اقتصادی ایجاد کرد. با این حال اجرای این اصل در سال‌های نخست انقلاب و برخی مصادره‌های گسترده، محل بحث و نقد حقوقدانان قرار گرفت و یک پرسش اساسی را پیش روی نظام حقوقی گذاشت: مرز میان استرداد مال نامشروع و مصادره به عنوان یک مجازات کجاست؟

امروز نیز با تصویب قوانین جدید مرتبط با جرائم زمان جنگ، این پرسش بار دیگر اهمیت یافته است. تردیدی نیست که مقابله با جاسوسی، همکاری با دشمن و تهدید امنیت ملی از وظایف مسلم هر حکومت است و هیچ نظام حقوقی نمی‌تواند نسبت به چنین رفتارهایی بی‌تفاوت باشد. اما ضرورت مقابله با جرم نباید موجب کمرنگ شدن اصول بنیادین حقوق عمومی و حقوق شهروندی شود. شدت واکنش کیفری باید همچنان تابع ضرورت، تناسب و ارتباط مستقیم میان جرم و مجازات باشد. در این چارچوب، مصادره نباید به معنای سلب همه دارایی‌های یک محکوم بدون احراز رابطه مستقیم میان مال و جرم، تلقی شود. فلسفه مصادره باید محروم کردن مجرم از عواید ناشی از جرم یا ابزار ارتکاب آن باشد نه گسترش مجازات به اموالی که ممکن است، متعلق به اشخاص ثالث باشد یا حقوق خانواده و سایر ذی‌نفعان را تحت‌تأثیر قرار دهد. حق مالکیت همچون سایر حقوق بنیادین، تنها در چارچوب قانون با حکم مرجع صالح و پس از رعایت الزامات دادرسی عادلانه قابل تحدید است.

از منظر فقهی و فرهنگی نیز مسئله صرفاً یک بحث حقوقی نیست؛ «حق الناس» جایگاهی ممتاز دارد. تعرض به مال مردم، حتی با انگیزه‌های امنیتی یا خيرخواهانه، نیازمند قوی‌ترین مستندات قانونی و شرعی است. به همین دلیل قاضی، قانون‌گذار و ضابط قضایی باید در صدور و اجرای حکم مصادره با حساسیتی مضاعف عمل کنند. به‌ویژه آنکه در شرایط جنگی، قوانین سخت‌گیرانه ممکن است ناخواسته زمینه طرح گزارش‌ها و شکایت‌های کینه‌توزانه یا سودجویانه را فراهم کند. بنابراین دادستان، ضابطان و دادگاه‌ها باید هم‌زمان با برخورد قاطع با جرم، از آبرو، مالکیت و حقوق شهروندان نیز صیانت کنند.

شاید مهم‌ترین درس حافظه تاریخی حقوق ایران این باشد که مصادره اموال نباید به پاسخی عادی در سیاست کیفری تبدیل شود. امنیت ملی ضرورتی انکارناپذیر است اما امنیت ملی پایدار بر شالوده حاکمیت قانون، دادرسی عادلانه و احترام به حقوق بنیادین شهروندان استوار می‌شود. اگر قرار است قانون در شرایط جنگی سخت‌گیرانه‌تر باشد این سخت‌گیری باید در رعایت تشریفات قانونی و صیانت از حق الناس نیز به همان اندازه افزایش یابد. در نهایت، ابزار جرم باید از مجرم گرفته شود، نه آنکه اموالی که ممکن است متعلق به خانواده، اقارب، اشخاص ثالث یا نسل‌های بعدی باشد، قربانی مجازات شود. ** در برخورد با جرم نباید عدالت ذبح شود؛ وسواس در رعایت حق الناس، نه مانعی بر سر راه عدالت بلکه زیور عدالت قضایی در مسند قدرت است.**

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی

صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران

مدیر مسئول: امیراقتنایی

سرمدبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاست گذاری:

سید حسین مرعشی (رئیس)،

محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی

سید علیرضا سیاسی‌راد، امیراقتنایی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده

عکس: رضا معطریان

ویراستار: سعیده آربن‌فر

حروف چین: سحر خسروچردی

نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲

چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹- ۸۸۵۳۷۱۶۸

توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای مندرج در پرونده ثبتی هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای یاسر بخشنده فرزند قاسم به میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدثی به مساحت ۱۹۷/۳۷ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۷۰۵۷ مفروز مجزی از پلاک ۴۴ از اصلی ۳۹ واقع در قریه پل تالشان بخش چهار رشت خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای محمد حسینی مقدم محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۳۴۸۸- شناسه آگهی: ۲۲۴۵۹۷۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴

علی غلامعلی زاده رودکلی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای مندرج در پرونده ثبتی هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای قاسم بخشنده فرزند موسی به میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدثی به مساحت ۳۱۵/۸۴ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۷۰۵۸ مفروز مجزی از پلاک ۴۴ از اصلی ۳۹ واقع در قریه پل تالشان بخش چهار رشت خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای محمد حسینی مقدم محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۳۴۹۱- شناسه آگهی: ۲۲۴۵۹۶۳

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴

علی غلامعلی زاده رودکلی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای مندرج در پرونده ثبتی هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای ابوالحسن روحی کرین فرزند صالح به میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدثی به مساحت ۱۱۴ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۳۴۶۶۲ مفروز و مجزی از پلاک ۱۶ از اصلی ۱۴ واقع در قریه سلیمانداراب بخش چهار رشت خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای محمد حسن همدانی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۳۵۵- شناسه آگهی: ۲۲۲۴۴۴۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴

علی غلامعلی زاده رودکلی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای مندرج در پرونده ثبتی هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض خاتم سکینه حسن گل محمدی فرزند غلامرضا به میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدثی به مساحت ۲۵۵ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۳۳۸ مفروز و مجزی از پلاک ۲۹ از اصلی ۴ واقع در قریه بیجار پس بخش چهار رشت خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای محمود شعبان زاده محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۳۵۶- شناسه آگهی: ۲۲۲۴۴۳۲۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴

علی غلامعلی زاده رودکلی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

آگهی

نوبت دوم

شناسه آگهی ۲۲۴۸۵۱۵

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله ای) شماره ۴۰۵/۶۰



شرکت تولید نیروی برق کرمان (به عنوان دستگاه مناقصه گزار) در نظر دارد مناقصه «انجام خدمات بهره برداری ، تعمیر و نگهداری از ایستگاه های تقطیل فشار گاز نیروگاههای سمنگان سیرجان و قشم» را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه: ساعت ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۲۰

آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه: ساعت ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۲۷

آخرین مهلت بارگذاری اسناد مناقصه و پاکتهای پیشنهادی: تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۷

آخرین مهلت ارسال اصل پاکت الف: تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۷

زمان و محل بازگشایی پاکات مناقصه: ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۷

کرمان ، بلوار جمهوری اسلامی ، خیابان امام جمعه ، کوچه شماره ۱۶ ، پلاک ۳۶. شرکت تولید نیروی برق کرمان

محل تحویل پاکات مناقصه: کرمان ، بلوار جمهوری اسلامی ، خیابان امام جمعه ، کوچه شماره ۱۶ ، پلاک ۳۶، واحد تدارکات شرکت تولید نیروی برق کرمان

مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۶,۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰ (شش میلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون ریال) می باشد که می بایست بصورت ضمانتنامه معتبر بانکی یا رسید واریز نقدی به حساب شماره ۳۰۶۳۲۷۸۳۳۸-۰۳۰۱۱۳۰۴۰۰ نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه سپرده شرکت تولید نیروی برق کرمان نزد خزانه ارائه گردد .

- به پیشنهادهایی که فاقد امضاء ، مشروط و مخدوش بوده و همچنین به پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود ، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد .

- به پیشنهاداتی که فاقد سپرده ، سپرده های مخدوش ، سپرده های کمتر از میزان مقرر ، چک شخصی و نظایر آن باشند ، ترتیب اثر داده نخواهد شد .

- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه درج است .

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

شرکت تولید نیروی برق کرمان

آگهی فراخوان شرکت فولاد مبارکه اصفهان



ردیف	نوع آگهی	شماره آگهی	موضوع	مهلت ارسال مدارک
۱	فراخوان شناسایی	۴۸۶۴۰۶۲۵	طراحی، ساخت ، تأمین ۳ دستگاه ترولی (دو دستگاه ۵ تن و یک دستگاه ۱۰ تن) برای جرثقیل های واحد تعمیرگاه مرکز و اسکلت فلزی طبق مشخصات فنی شرکت فولاد مبارکه	۱۴۰۵/۰۵/۲۴

جهت دریافت اسناد و کسب اطلاعات بیشتر در خصوص فراخوان های عمومی، ارزیابی کیفی، مناقصات و مزایادات به وبسایت شرکت به نشانی www.msc.ir قسمت مناقصات مراجعه و طبق راهنمای موجود نسبت به انتخاب فراخوان مورد نظر اقدام نمائید. اطلاعات سایر فراخوان ها از طریق سایت شرکت و صفحه رسمی فراخوان های شرکت در شبکه های اجتماعی به نشانی @Ads_msc قابل دسترس می باشد.

مدیریت ارتباطات و برند سازمانی گروه فولاد مبارکه ۲۵-۱۴۰۵

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای مندرج در پرونده ثبتی هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای یاسر بخشنده فرزند قاسم به میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدثی به مساحت ۱۰۹/۵۲ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۷۰۵۵ مفروز مجزی از پلاک ۴۴ از اصلی ۳۹ واقع در قریه پل تالشان بخش چهار رشت خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای محمد حسینی مقدم محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۳۴۹۰- شناسه آگهی: ۲۲۴۵۹۵۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴

علی غلامعلی زاده رودکلی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای هیات مندرج در پرونده موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض خاتم زینت سادات میر پانیاب فرزند سید رضا به میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدثی به مساحت ۲۲۴/۷۹ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۳۰۶ مفروز مجزی از پلاک ۹ از اصلی ۵ واقع در قریه توسروندان بخش چهار رشت خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای سید جمال حسینی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۰۶۴- شناسه ۲۲۳۵۲۵۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

علی غلامعلی زاده رودکلی
رئیس اداره ثبت و املاک ناحیه دو رشت
از طرف محمد فلاح توتکار

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای هیات مندرج در پرونده موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای مجتبی مکرمی سفید آب فرزند معرفت به میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدثی به مساحت ۳۳۰/۷۵ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۴۶۲۹ مفروز مجزی از پلاک ۹ از اصلی ۲۸ واقع در قریه لاکان بخش چهار رشت خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای حسن رحمت سمیعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۰۶۹- شناسه ۲۲۳۵۲۸۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

علی غلامعلی زاده رودکلی
رئیس اداره ثبت و املاک ناحیه دو رشت
از طرف محمد فلاح توتکار

آگهی فقدان سند مالکیت

(شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۱۶۰۰۳۰۱۶۵۱)

آقای کریم احسانی نیبا ارائه ایک برگ استثنایه گواهی شده توسط دفترخانه اسناد رسمی ۲۳۱ کنگاوربه شماره وارده ۴۴۹۱ مورخه ۱۰ / ۰۵ / ۱۴۰۵ اعلام داشته سندمالکیت سه دانگ مشاع ارشدانگ یک قطعه زمین پلاک ۵۲۹ فرعی از ۲۶ -،اصلی،واقع درقریه کارخانه قطعه ۲ کنگاوربخش ۹ کرمانشاه به شماره سریال ۷۸۸۸۱-۰ سری ج سال ۹۳ متعلق به نامبرده به علت سهل انگاری مفقود گردیده ودرخواست صدورسندمالکیت المثنی راآموده است لذااستند به ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب دریک نوبت آگهی ومتذکریمگرددهرکس نسبت به ملک موردآگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجوداسنادمالکیت نزدخودباشدمی بایست ظرف مدت ۱۰ روزتاریخ انتشاراین آگهی اعتراض کتبی خودرابه پیوست مستندات اعتراض خودرابه این اداره اعلام تایرابرمقررات اقدام گردد،د: ۱۷/۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

ظاهر تیما – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کنگاور

آگهی فقدان سند

(شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۱۶۰۰۳۰۱۶۵۲)

خاتم سعیده احسانی نیبالرائه یک برگ استثنایه گواهی شده توسط دفترخانه اسنادرسمی ۳۳۱ کنگاوربه شماره وارده ۴۴۹۲ مورخه ۱۰ / ۰۵ / ۱۴۰۵ اعلام داشته سندمالکیت سه دانگ مشاع ارشدانگ یک قطعه زمین پلاک ۵۲۸فرعی از ۲۶ -،اصلی،واقع درقریه کارخانه قطعه ۲ کنگاور بخش ۹ کرمانشاه به شماره سریال ۷۸۵۲۹-۰ سری ج سال ۹۳ متعلق به نامبرده به علت سهل انگاری مفقود گردیده ودرخواست صدورسندمالکیت المثنی راآموده است لذااستند به ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب دریک نوبت آگهی ومتذکریمگرددهرکس نسبت به ملک موردآگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجوداسنادمالکیت نزدخودباشدمی بایست ظرف مدت ۱۰ روزتاریخ انتشاراین آگهی اعتراض کتبی خودرابه پیوست مستندات اعتراض خودرابه این اداره اعلام تایرابرمقررات اقدام گردد،لازم به ذکر است سندمالکیت فوق الذکربا پیوستدرهنگی شماره ۱۱۲۸۶ مورخه ۲۱ / ۰۴ / ۱۳۹۴ تنظیمی دفترخانه اسنادرسمی ۱۱۷ کنگاوردر پلاک مبلغ ۱۶۵۰۰۰۰۰۰ ریال دررهن بانک ملت شعبه کنگاورقرار گرفته است،ت: ۱۷/۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

ظاهر تیما – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کنگاور

